

حافظ را بشناسید



الَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَبِالْحَمْدِ لِلَّهِ نَحْنُ وَاللَّهُ

نکاتش عینقی به روزی

مقام اصیل گمشده خلافت است
خلافت خیر و حال آنکه این عبارت کوه

حافظ را بسایید

نکاتش
علینقی بهروزی



حافظ رابشناسید : شرح حال حافظ
تألیف : علینقی بهروزی
ناشر : کتابفروشی معرفت شیراز
چاپ اول بسال ۲۵۳۵ شاهنشاهی
تایپ از : محمدصادق معرفت
چاپ : افست مروی
صحافی : سپیده
شماره ثبت کتابخانه ملی

فهرست مطالب

صفحه	موضوع
ب	۱- منابع و مآخذ کتاب
ج	۲- مقدمه ناشر
د	۳- پیشگفتار
۱	۴- حافظ کیست؟
۸	۵- عقیده مستشرقین درباره حافظ
۱۱	۶- تاگور ، فیلسوف هند بر سر تربت حافظ
۱۳	۷- نسخ دیوان حافظ
۱۷	۸- تفأل بدیوان حافظ
۱۸	۹- طریقه تفأل
۲۳	۱۰- مصلی و رکن آباد
۳۰	۱۱- تربت حافظ
۴۵	۱۲- آخرین تعمیرات حافظیه
۶۴	۱۳- حافظیه از نظر دیگران
۶۵	۱۴- بزرگانیکه در جوار حافظ خفته اند
۷۶	۱۵- کتابخانه حافظیه
۸۰	۱۶- مرکز حافظ شناسی

منابع و مأخذ کتاب

- ۱- فارسنامه ناصری تألیف : حاج میرزا حسن فسائی
- ۲- آثار عجم تألیف : فرصت الدوله
- ۳- شیراز نامه تألیف : احمد بن ابی الخیر زرکوب
- ۴- دیوان حافظ
- ۵- گلستان سعدی
- ۶- تاریخ گیتی گشا تألیف : میرزا محمد صادق نامی
- ۷- مجله روزگار نو چاپ : لندن
- ۸- نیایش (گیتانجلی) تألیف : دکتر محمد تقی مقتدری
- ۹- از سعدی تا جامی تألیف : جناب آقای علی اصغر حکمت
- ۱۰- تاریخ ادبیات ایران تألیف : ادوارد برون
- ۱۱- جهاننگشای نادری تألیف : سید عبدالله انوار
- ۱۲- سفرنامه : اوژن فلاندن فرانسوی
- ۱۳- سفرنامه : ادوارد برون
- ۱۴- سفرنامه : تاورنیه
- ۱۵- سفرنامه : دیولافوا
- ۱۶- شاهد شیراز تألیف : خان ملک ساسانی
- ۱۷- لطیفه غیبی تألیف : محمد دارابی
- ۱۸- فال حافظ تألیف : روحی شیرازی
- ۱۹- دیوان حافظ : پژمان بختیاری
- ۲۰- شیراز تألیف : آقای علی سامی
- ۲۱- هفت اقلیم : امین احمد رازی
- ۲۲- مطالعات و تحقیقات شخصی مؤلف

مقدمه ناشر

این مؤسسه از مدت‌ها پیش تصمیم داشت که برای زائرین آرامگاه دو شاعر نامی ایران " سعدی " و " حافظ " راهنمایی مفید و مختصر که متضمن شرح حال و تاریخچه آرامگاه آنان باشد تهیه و چاپ نموده و در دسترس زائرین و دانش پژوهان قرار دهد .

برای این منظور بدوست محترم دانشمند آقای علینقی بهروزی مراجعه ایشان اظهار داشتند در طی مدت این چند سال یادداشت‌های درباره این موضوع فراهم شده که در اختیار این بنگاه گذارند .

این یادداشت‌ها که جلد اول آن بنام " سعدی را بشناسید " و جلد دوم " حافظ را بشناسید " از کتب متعدد و مدارک تاریخی جمع‌آوری شده همان‌طوریکه مؤلف محترم در دیباچه اشاره نموده‌اند این دو کتاب پاسخ کوی پرسش‌های زائرین آرامگاه‌ها میباشد . امید است که با مطالعه این دو کتاب مخصوصاً دانش‌آموزان و دانشجویان اطلاعات بیشتری درباره دو شاعر نامی سرزمین خودشان کسب نمایند .

مدیر کتابفروشی معرفت شیراز - حسین معرفت

شیراز اسفندماه ۲۵۳۵ شاهنشاهی

جان پرو راست قصه ارباب معرفت

رمزی بر و پیرس و حدیثی بیا بگو

پیشگفتار

در اطراف اشعار و شرح حال و اوضاع زمان حافظ و حتی کلمات و اصطلاحات عرفانی که خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی بکار برده و همچنین نقد ادبی غزل‌های منسوب به او و نسخ دیوان‌های خطی آن شاعر آسمانی در عرض نیم قرن اخیر کتاب‌های متعدد و مقالات بسیاری نوشته شده و محققان و دانشمندان ، تحقیقات و تتبع فراوانی کرده و نظریه‌های خود را چاپ و منتشر کرده اند .

اما در باب مقبره حافظ ، تاریخچه ساختمان آرامگاه و باغ آن که آنرا حافظیه نامند و تحولاتی که در عرض ششصد سال اخیر در آن صورت گرفته کمتر کسی تحقیق کافی کرده و مطالبی نوشته است .

چون امروزه باغ و ساختمان آرامگاه حافظ و کتابخانه نفیس آن مورد توجه عمومی و مطاف عارف و عامی است ، بسیاری از

زیارت کنندگان تربت حافظ، اعم از ایرانی و غیر ایرانی، هنگام دیدن حافظیه از تاریخچه مقبره حافظ و چگونگی ساختمان آرامگاه او و حتی از مصلی و رکن آباد پرسشهایی میکنند و میل دارند که اطلاعات کافی در خصوص آنها داشته باشند ولی کتابی که به پرسشهای ایشان جوابی مفیدی بدهد، موجود نیست.

اینجانب که مدتی است افتخار خردمتگزاری کتابخانه حافظیه را دارم تصمیم گرفتم که این نقیصه را برطرف کنم و از این رو بنویستن این کتاب پرداختم.

پیش از شرح تاریخچه حافظیه، مختصری هم از زندگانی خواجه نگاشتم تا خوانندگان این کتاب را بشرح حال او نیز آگاه گردانم.

امیدوارم که این تاریخچه حس کنجکاو کسانی را که جویای حقایق تاریخی در خصوص حافظ و حافظیه میباشند ارضا نماید.

شیراز

سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی

علینقی - بهروزی

حافظ کیست ؟

"کس چو حافظ نکشد از رخ اندیشه نقاب"

"تا سر زلف عروسان چمن شانه ز نسد"

خواجہ شمس الدین محمد متخلص بہ حافظ و مشہور بہ
لسان الغیب و ترجمان الاسرار در اوائل قرن ہشتم ہجری قمری
در شیراز متولد شدہ است . و از ابتدا در مکتب خانہ و سپس نزد
اساتید معروف آن دورہ مانند سید شریف جرجانی و ابو عبد اللہ
قوام الدین کہ از دانشمندان مقیم شیراز بودہ اند بہ کسب معرفت
و تحصیل علوم و ادبیات پرداخت و سپس وارد عالم سیر و سلوک
گردید و مشرب عرفان را اختیار کرد و یکی از عرفای نامور گردید .
حافظ تفسیر قرآن را میدانستہ و قرآن را از حفظ داشتہ و
آنها با چہار دہ روایت میخواندہ است .

(عشقت رسد بفریادگر خود بسان حافظ)

(قرآن ز بر بخوانی با چار دہ روایت)

از این رو تخلص خود را حافظ قرار دادہ است . گویند ہر
شب جمعہ در گرد مقصورہ ایکہ میان مسجد شیراز (مقصود مسجد
جامع عتیق شیراز است) واقع است تا صبح بگردد و بالحن خوش



شیخ ابواسحاق اینجو - حافظ

(نقل از کتاب ترجمه لهستانی حافظ چاپ ۱۹۵۲ م .)

ختم قرآن نماید . (صفحه ۲۱۱ جلد اول کتاب هفت اقلیم)
زندگانی حافظ مصادف بوده با سالهای اغتشاش فارس
و تحولات سریع که هزار چندی شخصی بعنوان پادشاه زمام
امور را در دست میگرفته است چنانکه در دوره زندگانی حافظ که
بین ۵۰ تا ۶۰ سال بوده این اشخاص در شیراز زمامدار
یا پادشاه بوده اند :

- ۱- امیر جلال الدین مسعود شاه (۷۲۵-۷۳۶ هـ - ق)
- ۲- شاه شیخ ابواسحاق اینجو (۷۴۲-۷۵۸ هـ - ق)
- ۳- امیر مبارزالدین محمد مظفری (۷۲۳-۷۶۰ هـ - ق)
- ۴- شاه یحیی (۷۶۰-۷۹۵ هـ - ق)
- ۵- شاه شجاع (۷۶۰-۷۸۵ هـ - ق)
- ۶- شاه زین العابدین (۷۸۶-۷۹۰ هـ - ق)
- ۷- شاه منصور (۷۹۰-۷۹۵ هـ - ق)
- ۸- امیر تیمور گورگانی

و این امر گرچه باعث ناراحتی حافظ بوده ولی با اینحال
قانع و خرسند بوده است .

حافظ نزد بسیاری از این پادشاهان (مخصوصاً شاه شیخ
ابواسحاق و شاه شجاع و شاه منصور) حرمت و احترام زیادی
داشته و بنابراین ایشانرا مدح گفته است .

علاوه بر آن حافظ مورد احترام سلاطین و پادشاهانی که

خارج از فارس سلطنت میکرد هاند نیز بوده است مانند سلطان اویس
ایلکانی و سلطان احمد جلایر که در آذربایجان و بغداد
حکومت داشته اند .

محمد شاه دکنی و سلطان غیاث الدین بنگالی نیز حافظ را
محترم داشته و او را دعوت کرده اند که به هندوستان مسافرت
نماید .

حافظ علاقه زیادی بشیراز داشته چنانکه میگوید :

نمیدهند اجازت مرا بسیر و سفر

نسیم خاک مصلی و آب رکن آباد

و بهمین جهت در تمام عمر در شیراز اقامت داشته و فقط دو

سفر کوتاه کرده است . یکی به یزد و یکی به جزیره هرمز .

شاه محمود دکنی که از ارادتمندان حافظ بود او را دعوت

کرده که به هندوستان برود . حافظ این دعوت را پذیرفت و تا

جزیره هرمز رفت ولی چون دریا طوفانی شد و حافظ در زحمت

افتاد از این سفر منصرف شد و بشیراز مراجعت کرد و غزلی را با این

مطلع گفته برای شاه محمود فرستاد :

دمی باغم بسر بردن ، جهان یکسر نمی ارزد

به می بفروش دلوق ماکز این بهترینی ارزد

بس آسان می نمود اول غم دریا ببوی سود

غلط کردم که یک طوفان بصد گوهر نمی ارزد

غزلیات عارفانه حافظ که با انسجام و فصاحت و بلاغت خاصی آراسته است در زبان فارسی کم نظیر است و از این رو از همان زمان حیات او در قلمرو زبان فارسی (ایران — هندوستان — افغانستان — ترکستان — عراق — ترکیه) مشهور گشته و مورد توجه و علاقه طبقات مختلف، مخصوصاً ادباء و عرفاء و دانشمندان بوده است .

سناعت طبع و زهد و تقوای حافظ مورد تصدیق عمومی است و چون حافظ قرآن بوده است . بسیاری از مضامین ابیات حافظ از آیات قرآنی اقتباس شده است .

دیوان حافظ متجاوز از پنج هزار بیت دارد که شامل قصیده غزل مثنوی — رباعی — مخمس و قطعه میباشد . ولی شاهکار حافظ غزلیات اوست که باعث شهرت عالمگیر وی شده است .

کنایات و ایهام بسیاری که در اشعار حافظ بکار رفته است . سبب شده که هرکسی بتصور خود ، ابیات او را طوری توجیه کند که با حال او موافق باشد — و این موضوع در تفألهاست که از دیوان او میگیرند کاملاً مشهور است .

نکته شایان توجه این است که تنها دیوانی که با آن تفأل میزنند دیوان حافظ است .

بسیاری از کلماتی را که حافظ در اشعار خود بکار برده مانند : می — مغ — مغبچه — ساقی — مطرب — شاهد — عشق و عاشقی و

غیره از اصطلاحات عرفانی است .

(هاتفاصفهانی گفته است :

(هاتفا رباب معرفت که گهی

مست خوانند شان وگه هشیار)

(از می و بزم و ساقی و مطرب

و زمغ و دیر و شاهد و ز نارا)

(قصدایشان نهفته اسراری است

که با ایما کنندگه اظهـار)

حافظ در سال ۷۹۱ هجری قمری در شیراز وفات یافت و در

گورستان "مصلی" که بدان علاقه وافری داشت مدفون گردید و

ماده تاریخ وفات او را به حسات جمل در جمله خاک مصلی که

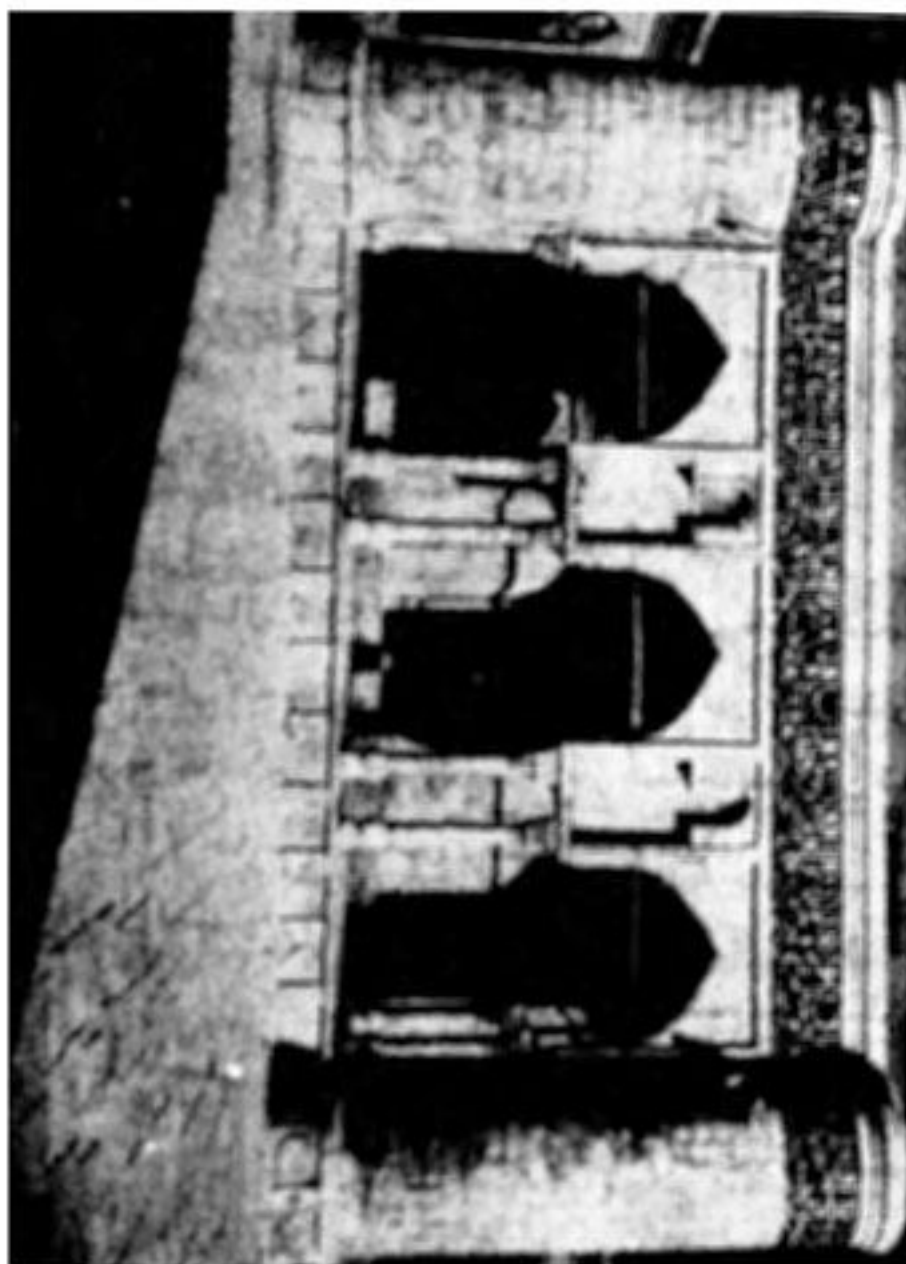
معادل ۷۹۱ میباشد یافته اند . چنانکه گفته اند :

چراغ اهل معنی خواجه حافظ

که نوری بود از شمع تجلی

چو در خاک مصلی یافت منزل

بجو تاریخش از خاک مصلی



خدای خانه در وسط مسجد جامع عتیق شیراز

حافظ حدیث سحر فریب خوشت رسید
تا حد چین و شام و به اقصای روم و ری

عقیده مستشرقین درباره حافظ

دانشمندان و بزرگان دنیا عقاید تجلیل آمیزی نسبت به
شخصیت حافظ داشته و نظریه های تحسین انگیزی نسبت به
اشعار او ابراز داشته اند .

چون نقل همه آنها ممکن نیست ما نظریه چند نفر از
مشهورترین ایشان را در اینجا نقل میکنیم :

۱- گوته شاعر بزرگ آلمانی : حافظ بزرگوارترین و باصفا ترین
شاعر ایران کسی است که در عین دل بستگی به زیباییهای این
دو جهان ، راز زندگی را برای خود حل کرد ، یعنی آن
علائقی را که دست و پای آدمی را میبندد ، کنار گذاشت و از هر
چه رنگ تعلق پذیرد آزادی جست و رندانه بی نیازی و قلندری
پیشه کرد . امروزه پس از قرنهای چهار پاداران و کاروانیان در
راه پیمائی خود ، غزلیات شورانگیز او را زمزمه میکنند و احساس
میکند که از این سخنان بوی عشق و صفا و حقیقت بر میخزد .

(کتاب شیراز تألیف آقای علی سامی)

۲- پرفسور ادوارد برون ، مستشرق معروف انگلیسی : برگزیده ترین

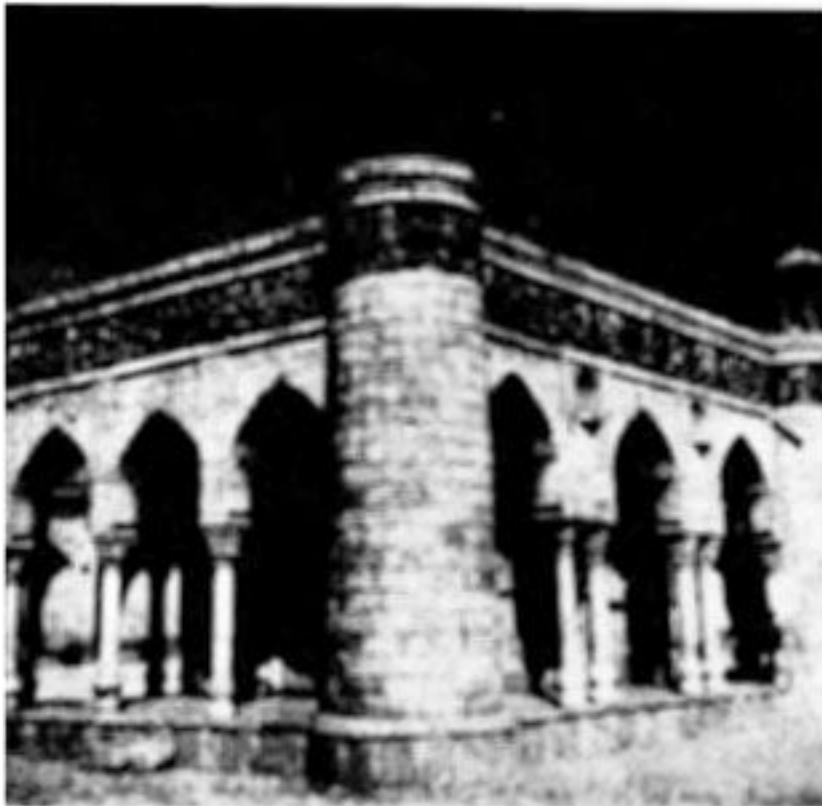
و نامی ترین شاعران آن دوره که بحقیقت بهترین شعرای ایران ، یعنی استاد فنا ناپذیر و عدیم النظیر ، حافظ شیرازی است . (کتاب از سعدی تا جامی)

۳- سرگوزا و زلی مستشرق انگلیسی : سبک سخن وی روشن و متناسب و بی عیب است و مراتب کمال علم و بلوغ دانش او را نشان میدهد که چگونه بر باطن و حقایق اشیاء مانند ظواهر امور بصیرت داشته است . لکن از همه بالاتر آنکه کلام او بقدری جذاب و فتان است که هیچ یک از شعراء دیگر بپایه او نمیرسند (مجله روزگار نو) .

۴- دکتر آ . ج - آربری مستشرق انگلیسی : گذشته از اینکه حافظ بزرگترین شاعر غزل سرای ایران میباشد هیچ شاعر دیگر ایران ، حتی خیام نیز بقدر او پیوسته مورد توجه خاص و تمجید و تحسین اهل فضل و ادب انگلیس نبوده است .

۵- والتر لیف محقق انگلیسی : کسانی که طالب ترجمه های اشعار حافظ باشند آنها را به آسانی بدست میآورند ، و با خواندنشان میتوانند از بادهای مغرب ، عطر باغهای مشرق و بوی مشک تبار را بشنوند ، شعله گلهای سرخ و الاله را بنگرند و لذت شیرینی و شراب مردافکن ایران را بچشند و بسر انگستان ، با حلقه های زلف معشوقه بازی کنند . (مجله روزگار نو) (برای دانستن عقاید دیگر دانشمندان در باره حافظ رجوع شود بکتاب شیراز تألیف

آقای علی سامی (۰)



گراور دیگر از خدای خانه مسجد جامع عتیق
مربوط به صفحه اول کتاب

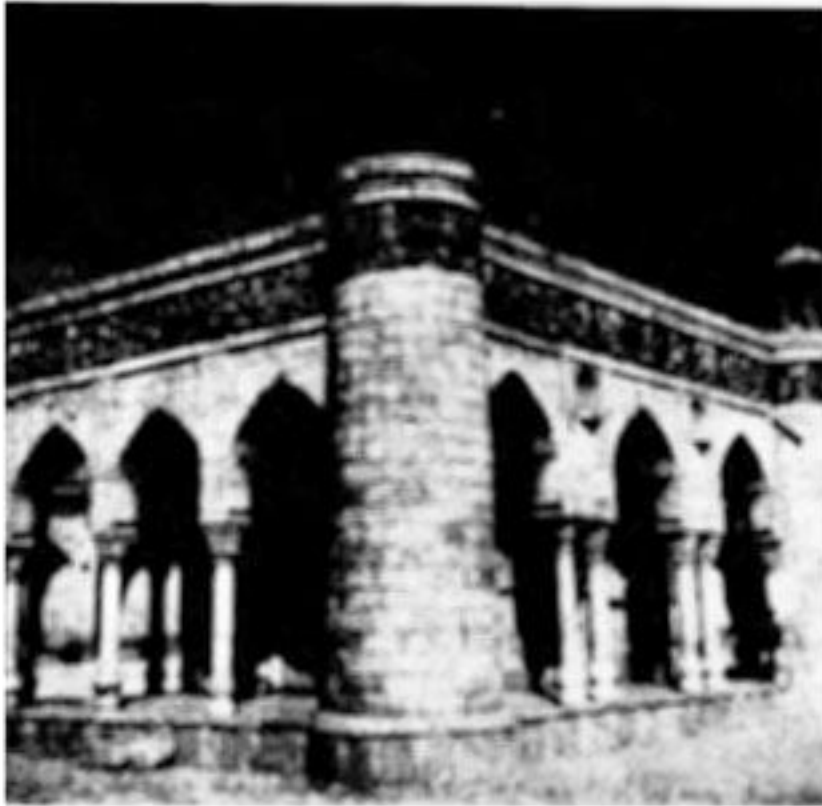
و نامی ترین شاعران آن دوره که بحقیقت بهترین شعرای ایران ، یعنی استاد فنا ناپذیر و عدیم النظیر ، حافظ شیرازی است . (کتاب از سعدی تا جامی)

۳- سرگوزا و زلی مستشرق انگلیسی : سبک سخن وی روشن و متناسب و بی عیب است و مراتب کمال علم و بلوغ دانش او را نشان میدهد که چگونه بر باطن و حقایق اشیاء مانند ظواهر امور بصیرت داشته است . لکن از همه بالاتر آنکه کلام او بقدری جذاب و فتان است که هیچ یک از شعراء دیگر بپایه او نمیرسند (مجله روزگار نو) .

۴- دکتر آ . ج - آربری مستشرق انگلیسی : گذشته از اینکه حافظ بزرگترین شاعر غزل سرای ایران میباشد هیچ شاعر دیگر ایران ، حتی خیام نیز بقدر او پیوسته مورد توجه خاص و تمجید و تحسین اهل فضل و ادب انگلیس نبوده است .

۵- والتر لیف محقق انگلیسی : کسانی که طالب ترجمه های اشعار حافظ باشند آنها را به آسانی بدست میآورند ، و با خواندنشان میتوانند از بادهای مغرب ، عطر باغهای مشرق و بوی مشک تبار را بشنوند ، شعله گلهای سرخ و الاله را بنگرند و لذت شیرینی و شراب مردافکن ایران را بچشند و بسر انگستان ، با حلقه های زلف معشوقه بازی کنند . (مجله روزگار نو) (برای دانستن عقاید دیگر دانشمندان در باره حافظ رجوع شود بکتاب شیراز تألیف

آقای علی سامی (۰)



گراور دیگر از خدای خانه مسجد جامع عتیق
مربوط به صفحه اول کتاب

تاگور ، فیلسوف هند برسر تربیت حافظ

"حسد چه میبری ای سست نظم برحافظ"

"قبول خاطر و لطف سخن خداداد است"

در بهار سال ۱۳۱۱ شمسی فیلسوف و شاعر بزرگ هند رابیندر نات تاگور طبق دعوت وزارت فرهنگ دولت شاهنشاهی ایران به اتفاق دینشاه ایرانی زردشتی از راه بوشهر - شیراز - تهران به ایران آمد و مورد تجلیل واقع شد و در شیراز از او در باغ خلیلی که از بهترین باغهای شیراز است پذیرائی بعمل آمد .

روزی تاگور و همراهان به اتفاق مرحوم ابوالقاسم فیوضات رئیس معارف فارس و چند نفر دیگر به آرامگاه حافظ رفته و با کمال ادب دور قبر حافظ نشستند و از روح پرفتوح حافظ همت خواستند . پس به او پیشنهاد شد که از دیوان حافظ فالی بزند تاگور استقبال کرد . کتاب را آوردند تاگور دیوان را گرفت و بوسیده و بردیده گذاشت و خود آنرا گشود . در این حال براستی مشهود بود که تاگور بعالمی دیگر سیر میکند .

در این فال غزلی آمد که سه بیت آن نقل میشود :
غلام نرگس مست تو تا جدا رانند
خراب باده لعل تو هوشیارانند
بزیر زلف دو تا چون گذر کنی بینی
که از یمین و یسارت چه بیقرارانند
گذار کن چو صبا بر بنفشه زار و ببین
که از تطاول زلفت چه سوگوارانند
فالی هم برای امکان آزادی هند زدند (چون در آن تاریخ هند
تحت تسلط انگلستان بود) که این غزل آمد :
یوسف گمگشته باز آید به کنعان غم مخور
کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور
این دل غمدیده حالش به شود دل بد مکن
وین سر شوریده باز آید بسامان غم مخور
گر بهار عمر باشد باز بر تخت چمن
چتر گل بر سرکشی ای مرغ خوشخوان غم مخور

نسخ دیوان حافظ

حافظ ، برخلاف سعدی اشعار خود را در زمان حیات خویش جمع‌آوری نکرد از این رو بعد از وفات او محمد گلندام شاگرد باوفای وی اشعار او را گرد آورد و دیوان کنونی حافظ را مدون ساخت . از زمانیکه محمد گلندام اشعار حافظ را گرد آورده مدون ساخت ، تعداد بسیار زیادی از آن دیوان را ، چه در ایران و چه در هندوستان و سایر معالک دستنویس کرده اند . که غالباً هم با تذهیب و تشعیر و نقاشی همراه است و امروزه زینت افزای موزه ها و کتابخانه های عمومی و خصوصی داخلی و خارجی است . و از وقتی هم که صنعت چاپ رواج یافته ، دیوان حافظ بشکلها و قطعهای گوناگون در تعداد زیادی ، در هندوستان و ایران و سایر معالک چاپ و منتشر گردیده بطوریکه میتوان گفت که بعد از قرآن مجید و کتب مذهبی هیچ کتابی در زبان فارسی به اندازه دیوان حافظ چاپ نشده است .

در سالهای اخیر دیوان حافظ بطرزهای مختلف و اسلوبهای گوناگون ، از طرف دانشمندان و محققین چاپ گردیده و روی غزلها و ابیات و حتی کلمات آن نقدها و اظهار نظرهای بسیاری نموده اند

خط حافظ شیرازی



علاوه بر آنها تعداد زیادی کتب و رساله و مقاله ها در تشریح و تحلیل اشعار و تفسیر عقیده و مسلک و ترجمه کلمات و اشعار حافظ چاپ شده است.

که معروفترین آنها عبارتند از:

- ۱- دیوان حافظ چاپ قدسی
- ۲- دیوان حافظ چاپ خلخالی
- ۳- دیوان حافظ چاپ خانلری
- ۴- دیوان حافظ چاپ انجوی شیرازی
- ۵- دیوان حافظ چاپ قزوینی - دکتر غنی
- ۶- دیوان حافظ چاپ جلالی - نذیر احمد
- ۷- دیوان حافظ چاپ مسعود فرزاد که شامل ده جلد قطور است
- ۸- شرح دیوان حافظ بوسیله سودی
- ۹- الهاماتی از حافظ
- ۱۰- بحث در افکار و آثار حافظ
- ۱۱- حافظ چاپ پژمان بختیاری
- ۱۲- دیوان کهنه حافظ
- ۱۳- حافظ چاپ هومن
- ۱۴- حافظ شیرین سخن تألیف دکتر محمد معین
- ۱۵- حافظ خراباتی
- ۱۶- حافظ تشریح

- ۱۷- حافظ بر وایت احمد شاملو
- ۱۸- حافظ چاپ دکتر یحیی قریب
- ۱۹- درسی از دیوان حافظ تألیف آقای علی اصغر حکمت
- ۲۰- سفینه حافظ تألیف تیمسار جنتی عطائی
- ۲۱- نبوغ حافظ تألیف رضانور

تغال بدیوان حافظ

" بناامیدی از این در مرو بزن فالی "

" بود که قرعه دولت بنام ما افتد "

از زمانیکه بسعی محمد گلندام اشعار خواجه حافظ جمع
آوری و بصورت دیوان درآمد ، مردم که او را لسان الغیب
میدانستند و اعتقاد داشتند که بگفته خودش :

در پس آینه طوطی صفتش داشته اند

و آنچه استاد ازل گفت: بگو ، میگوید

یقین کردند که حافظ با عالم غیب رابطه خاصی دارد و گفته او را :

بناامیدی از این در مرو ، بزن فالی

بود که قرعه دولت بنام ما افتد

پذیرفته از دیوان او فال زدند و باکمال تعجب مشاهده

کردند که حافظ در خلال فالها چگونه حقایق را فاش میگوید ،

و چطور به نیت فال زننده ، پاسخ مناسب و صریح میدهد .

از این رو چه بر سر مزار او و چه در منازل ، تغال

بدیوان حافظ رواج پیدا کرد و مردم علاقه مند شدند که در
تنگناها و آن وقتی که در انجام کاری در تردید و دودلی بودند و
آینده خود را میخواستند بدانند ، بدیوان او تغال زنند و از روح

پرفتوح او همت طلبند و اینکار هنوز هم ادامه دارد .

طریقه تَفأل

بنا بر آنچه مرسوم است . برای تَفأل بدیوان خواجه ابتدا دیوان را در دست گرفته و با خلوص نیت برای آمرزش خواجه سوره حمد و توحید را میخوانند و از روح پرفتوحش همت میطلبند و سپس نیت کرده و دیوان را باز مینمایند ، غزل بالای صفحه دست راست ، جواب تَفأل است منتها اگر وسط غزل باشد باید از ابتدای غزل که در صفحه پشت این صفحه است بخوانند سه بیت از غزلیکه بعد از این غزل قرار دارد "شاهد" قال نامیده میشود و متمم تَفأل است .

تَفألهائیکه در عرض اینمدت شش قرن از دیوان حافظ زده اند غالباً "بقدری جوابهای مناسبی آمده و نیات فال زنندگانرا بطوری صریح بیان کرده که بیشتر بمعجزه شباهت دارد و موجب اعجاب است .

این گونه تَفألها بقدری زیاد است که جمع آوری آنها کتاب قطوری را تشکیل میدهد و مادر این کتاب بقول سعدی برای نزهت ناظران و فسحت حاضران معروفترین آنها را نقل میکنیم :
پرفسور ادوارد برون در جلد سوم تاریخ ادبیات ایران به نقل از لطیفه غیبیه ، این چند فال را نقل کرده است :

۱- فال نخست راجع است به شاه اسماعیل اول مؤسس سلسله صفویه که مذهب تشیع را دینت رسمی ایران قرار داد و جهدا و در این باب بجائی رسید که فرمان داد قبور مشاهیر را که بسه تمایل به تسنن معروف بودند ، بشکافند و آنرا با خاک یکسان کنند این پادشاه بزرگ وقتی به اتفاق شخصی از ملاهای جاهل و متعصب معروف به ملامگس بز یارت قبر حافظ رفت ، ملامگس نزد شاه اصرار بلیخ مینمود که امر به انهدام بقعه حافظ فرماید و او را به انتساب به سنت و جماعت متهم میساخت .

و ویرا " فاسد و فاسق " میخواند .

شاه امضای این عزیمت راموکول به تغال دیوان حافظ

فرمود و چون آنرا گشود این مطلع برآمد .

" جوزا سحر نهاد حمایل برابرم

یعنی غلام شام و سوگند میخورم

شاه این را بمنزله سوگند وفاداری و بیعت بخود دانسته ، بسیار

خوشنود و خرم گردید و چون ملامگس باز در ابرام و اصرار مبالغه

نمود ، شاه دوباره دیوان برگشود ، این بیت برآمد که ظاهرا

روی سخن بمصاحب شاه داشته :

ای مگس عرصه سیمرغ نه جولانگه تو است

عرض خود میبری و زحمت مامیداری

بعد از آن ملامگس زبان در کام خاموشی نهاده و دم در نیآورد .

۲- فال دوم در باب شاه طهمااسب اوّل صفوی است . که روزی با انگشتی بسیار گرانبها بازی میکرد ناگهان از دست وی افتاد و هرچه در طلب او بیشتر شتافتند آنرا کمتر یافتند — عاقبت پادشاه بطلب آن خاتم فالی بزد و این بیت آمد :

دلی که غیب نمایست و جام جم دارد

ز خاتمی که دمی گم شود ، چه غم دارد
شاه را از حسن مناسبت این بیت فرح پی اندازه روی نمود
و از فرط تحسین و شگفتی دستهای خود را بزانونهای خویش
نواخت ، ناگهان احساس نمود که انگشتی در چینهای قبای او
افتاده و در آنجا مخفی شده است .

جناب آقای علی اصغر حکمت در حاشیه ترجمه تاریخ ادبیات
ایران تألیف ادوارد برون که بنام (از سعدی تا جامی) چاپ شده
است مرقوم فرموده اند :

این بنده مترجم را چند فقره تغال بدیوان حافظ است که پیا
خود دیده و یا از معاصران شنیده و از عجایب تصادفات است .
و چون همه آنها از نوادر غریبه میباشد نقل آنها در اینجا بی مورد
نیست :

۳- مرحوم میرزا محمد شفیع متخلص به عشرت فرزند و قاربن وصال
که منسوب به بزرگترین خاندان های شعر و ادب شیراز در قرن
سیزدهم هجری است ، از استاد خود (یعنی استاد آقای حکمت

که مرحوم عشرت بوده) شنیدم که او رانا مزی بوده است چنان
مقرر بود که در ماه شعبان عقد مزاجت آند و بسته و جشن عروسی
برپاکنند ، جمعی از بزرگان خانواده را عقیده بود که مجلس —
عیش و سرور را بعد از رمضان محول دارند ، چون بر سر این
اختلاف سخن بد زازا کشید ، همه مردمانندند . پس داوری
را بدیوان حافظ برده فالی زدند و این غزل آمد :

نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد

عالم پیر دیگر باره جوان خواهد شد
ماه شعبان مده از دست قدح کاین خورشید

از نظر تاشب عید "رمضان" خواهد شد
ایدل "ار عشرت" امروز به فردا فکنی

مایه نقد بقا را که ضمان خواهد شد
پس همگان بر امر خواجه بزرگ یک دله شدند و به ساز بزم و سور
و سرور پرداختند .

۴- کتابفروشی معرفت شیراز که از قدیمی ترین کتابفروشیهای
کشور است . بسال ۱۲۳۰ شمسی برابر با ۱۳۱۰ شاهنشاهی
بهمت و سعی مرحوم شیخ عبدالحسین در شهر شیراز تأسیس
یافت و تا سال ۱۲۸۲ شمسی برابر با ۱۳۶۲ شاهنشاهی بنام
مؤسس اولیه آن نامیده میشد ، فرزند زاده آن مرحوم شیخ محمد
تقی معرفت در سال ۱۲۸۲ روزی در محفل عده ای از اصحاب

فضیلت که در کتابخانه جمع بودند و از آن جمله جناب آقای علی اصغر حکمت هم حضور داشتند اظهار میدارد که مدت‌هاست دنبال نام شایسته‌ای برای کتابخانه هستم حضار هر کدام نامی پیشنهاد میکنند تا اینکه برای رفع اطاله کلام و تکلیف قطعی یکی از حضار پیشنهاد میکنند که از لسان الغیب خواجه حافظ شیراز مشورت نموده با تفاعلی بدیوان حافظ غزلی که می‌آید در ضمن کلمات آن غزل نامی برای کتابخانه انتخاب شود دیوان حافظ را به جناب آقای حکمت میدهند، ایشان باز نموده اولین سطر غزل این بیت می‌آید :

برخیز تا طریق تکلف رها کنیم

دکان معرفت بدو جو پر بها کنیم

از آن تاریخ تا امروز که ۷۵ سال میگذرد حجره کتابفروشی

بنام معرفت یا دکان معرفت نامیده شده .

تغالهای مشهوری به حافظ زده اند در غالب کتابها مانند :

کتاب "از سعدی تا جامی" و "تقال حافظ" و فالهای حافظ

تألیف عزت پور جمع آوری شده است (ناشر)

" بده ساقی می باقی که در جنت نخواهی یافت "
" کنار آب رکن آباد و گل گشت مصلی را "

مصلی و رکن آباد

مصلای شیراز - در اوائلی که مردم شهرهای ایران دین
مبین اسلام اختیار کرده بودند ، چون در شهرها هنوز مساجد
بزرگی که عده زیادی بتوانند در آنها نماز بخوانند ، وجود
نداشت و همه علاقه مند بودند که در نماز اعیاد فطر و قربان و نماز
طلب باران شرکت جویند ، از این رو خارج از شهرها زمین
مسطحی را اختیار کرده ، نمازهای مزبور را در آنجا
برگزار میکردند و آن جاها را مصلی مینامیدند ، در شیراز ، زمینی
را که در پایه کوه رحمت (این کوه را امروزه کوه "چهل مقام" و کوه
"مرتضی علی" = مرتاض علی = نامند) که کوه صبوی (کوه صبوی یعنی
کوهی که در محل وزش باد صبا "باد شمال" قرار دارد) شیراز
میباشد و در مقابل تنگ الله اکبر قرار داشته مصلی قرار داده —
بودند و نمازهای عید فطر و عید قربان و نماز طلب باران (طلب
رحمت) را که در آن جمعیت زیادی شرکت داشتند ، در آنجا
بجا میآوردند .

این زمین که صاف و همواره نسبت بشهر مرتفع تر بوده ، دارای

مناظر دل انگیز و روحانیت خاصی میباشد ، کم کم چون مصلی بشکل زمین مقدسی درآمده ، مردم مردگان خود را برای اینکه از برکت آن آمرزیده شوند در اطراف و کنار آن مدفون کردند و لذا قسمت عمده آن بصورت گورستان عمومی در آمد که طول آن از کنار بقعه شاه میرعلی ابن حمزه تا دامنه کوه رحمت امتداد یافت و سروهای زیادی در آن غرس کردند . بعدها ایمن قبرستان وسیع بصورت قبرستانهای مجزای ، شاه میرعلی بن حمزه ، قبرستان جوان آباد (محل هنرستان محمد رضا شاه کنونی) قبرستان حافظیه قبرستان چهل تنان و قبرستان هفت تنان در آمد محل باغ ملی کنونی که تا حافظیه و چهل تنان امتداد داشت اولین نامی که از مصلی شیراز ذکر شده ، در یکی از — داستانهای باب سوم گلستان سعدی است که فرموده است :

یکی از ملوک پارس دُری گرانمایه در انگشتی داشت . باری بحکم ضرورت باتنی چند از خاصان به مصلاهی شیراز بیرون رفت و فرمود که انگشتی را بر گنبد عضد نصب کردند .

(گنبد عضد ساختمانی بوده است که امیر عضدالدوله دیلمی)
 (در پایه کوه رحمت بنا کرده بود و اکنون مانند سایر بناهای)
 عضدالدوله اثری از آن نیست در کتاب شیراز نامه زرکوب)
 (تحت عنوان ذکر عمارت عضدالدوله در شیراز نوشته شده)
 (است که از آن جمله گنبد عضدی است . گنبدی که بیرون)

در وازه اسطح نزدیک مصلی ، طول و عرضی دارد ، نقل است که عضد والدوله راد وازده فیل جنگی بود بوقت جنگ با قابوس ، آن د وازده فیل ، سبب هزیمت لشکر قابوس بودند و آنها را عظیم عزیز داشتی . بعد از آنکه بشیراز مراجعت کرد ، آن گنبد برای فیلان بساخت و در آن وقت فیل خانه عضد نام داشت)
 زمین مصلی ، چنانکه ذکر شد در پایه کوه رحمت که در شمال شیراز است قرار دارد و زمینی است که مرتفع تر از شهر است .
 و بنابراین بر شهرو جلگه شیراز مشرف است و منظره دل انگیز شیراز را چه در بامدادان و چه شامگاهان از آنجا بخوبی میتوان دید و بامدادان که بقول سعدی " تفاوت نکند لیل و نهار نسیم فرح بخش صبا " از تنگ الله اکبر بسوی زمین مصلی میوزد و بهمین جهت است که حافظ فرموده است :

میان جعفر آباد و مصلی عبیر آمیز میآید شمالش
 (جعفر آباد اراضی و شاید آبادی بوده ، در مغرب مصلی که)
 (امروزه ساختمانهای نظامی و پارک فرح و دبیرستان شهدخت
) و هتل گورش در آن بنا شده است .)

و سعدی هم زمانیکه در غربت بوده ، بیاد آن افتاده و فرموده :
 چه خوش سپیده دمی باشد آنکه بینم باز
 رسیده بر سر الله اکبر شیراز



تنك الله اكبر كه آب ركن آباد باغچه های اطراف آنرا مشروب
میکند مزار خواجوی کرمانی در این تنك است

این زمین آن وقتها که هنوز صحرا بوده .

(بامدادن که تفاوت نکند لیل و نهار

خوش بود دامن صحرا و تماشای بهار)

و در فصل بهار که بامدادان از گل و سبزه پوشانیده میشده و نسیم

عبیر آمیز شمال که از تنگ الله اکبر در آن میوزیده بسیار فرح

بخش و نشاط انگیز بوده است .

بعدها که رکن الدوله دیلمی قنات رکن آباد را احداث کرد

و آب آنرا از تنگ الله اکبر گذرانید و زمین مصلی را مشروب -

ساخت ، بر صفا و طراوت آن افزود و گردشگاه مردم شیراز شد و

به همین جهت است که حافظ فرموده است :

بده ساقی می باقی که در جنت نخواهی یافت

کنار آب رکن آباد و گل گشت مصلی را

چنین بنظر میرسد که خواجه حافظ ، به گردش و نشستن در

کنار نهر رکن آباد که از زمین مصلی میگذشته و قهرا* در کنار

آن درختهای سرو و کاج سایه افکنده و گل و سبزه روئیده بود ،

علاقه خاصی داشته و بطور یقین بسیاری از غزلهای شورانگیز

و عرفانی خود را در کنار این نهر ساخته است و به همین جهت

است که در ابیات زیر از مصلی و رکن آباد تمجید فراوان کرده

است :

ز رکن آباد ما صد لوحش الله که عمر خضر می بخشد ز لالش

و

بده ساقی می باقی که در جنت نخواهی یافت
کنار "آب رکن آباد" و گل گشت "مصلی" را

و

فرق است ز آب خضر که ظلمات جای اوست
تا آب ما که منبعش "الله اکبر" است

و

نمیدهند اجازت مرا بسیر و سفر
نسیم خاک مصلی و آب رکن آباد

و

شیراز و "آب رکنی" و آن باد خوش نسیم
عیبش مکن که خال رخ هفت کشور است
نظر بهمین علاقه شدید حافظ به این زمین بوده که چون او را
از گنجره عرش صغیر زدند و روح پاکش از حجاب غبار تن رهائی
یافت و بفردوس برین پرواز کرد تن خاکیش را در همین زمین
دفن کردند و از عجایب آنکه ، ماده تاریخ فوت او هم خاک
مصلی شد .

رکن آباد = بعد از علی - عماد الدوله (۳۲۰ - ۳۳۸ هـ ق)
دیلمی برادرش حسن ملقب به رکن الدوله (۳۲۳ - ۳۶۶) در
شیراز که پای تخت سلاطین آل بویه ، (دیلمیان) بود به تخت

سلطنت نشست . رکن الدوله در سال ۳۳۸ هـ . ق از پایه کوه بمو قناتی احداث کرد که آنرا رکن آباد و یا آب رگنی گویند . مظهر این قنات در محلی است بنام گنبد سبز که تاشیراز هشت کیلو متر فاصله دارد .

آب این قنات در اکبر آباد (شش کیلو متری شیراز) بدو قسمت تقسیم میشود . نصف آن برای مشروب کردن اراضی روستای اکبر آباد بمصرف میرسد و نصف دیگر وارد تنگ الله اکبر میشود و پس از مشروب کردن باغچه ها و تکایای داخل تنگ به مصلا ی شیراز سرازیر می‌گشته و تکیه هفت تنان و حافظیه و باغ جهان نما و سایر باغهای آن حدود را مشروب میساخته است . در دوره زندیه ، آب رگنی را از زیر رودخانه خشک و خندق دور شهر گذرانیده و وارد ارگ کریمخانی و سایر عمارت زندیه کرده بودند . (رجوع شود بکتاب گیتی گشا تألیف میرزا محمد صادق نامی)

آب این قنات سابقاً زیاد بوده بطوریکه آنرا نهر رگنی می‌گفته اند ، ولی امروزه مقدار آب آن خیلی کم است و پیوسته — تحلیل میرود بطوریکه اکنون از تنگ الله اکبر خارج نمیشود .

ترتیب حافظ

برسر ترتیب ما چون گذری همت خواه *

* که زیارتگه رندان جهان خواهد بود *

از همان زمانیکه خواجه شمس الدین محمد حافظ رخ در
نقاب خاک کشید و در زمین مصلی که مورد علاقه اش بود مدفون
گردید . آرامگاهش مطاف اهل دل و قبله گاه مردمان صاحب
نظر و عرفا ، روشنفکر بوده است و از این رو قبرش از سایر قبور
گورستان مصلی تمایزی داشته است ، و گویا بر بالای آن سقفی
و سایه بانی ساخته بودند و مردم حقیقت جوی شیراز هنگام زیارت
آن خاک پاک از روح پرفتوحش همت میطلبیده و از دیوانش
تغال میزده اند .

ابوالقاسم بابر پسر میرزا بایسنقر نواده شاه رخ بن تیمور
از سال ۸۵۴ تا ۸۶۱ هـ . ق در فارس حکومت داشت . مولانا
محمد معنائی صدراعظم او گردید

در ایام مکننت خود (معنائی) در شیراز در سر ترتیب خواجه
حافظ گنبدی ساخت (سال ۸۵۶ هـ . ق) و بابر میرزا را آنجا
ضیافت کرد . اما یکی از خوش طبعان شیراز بجانبی که نظر میرزا
افتداین بیت را نوشته بود :



اگر چه جمله اوقاف شهر غارت کرد

خداش خیردها داد آنکه این عمارت کرد

میرزا خوانده در آن باب بسیار مطایبه کرد (ص ۳۳۲ کتاب

از سعدی تا جامی تالیف جناب آقای علی اصغر حکمت)

این بنا در اوائل قرن یازدهم هجری ، زمان سلطنت شاه

عباس کبیر تعمیر گردید (ص ۲۸۲ کتاب شیراز تالیف علی سامی)

میرزا مهدی استرآبادی در کتاب جهانگشای نادری نوشته

است که :

..... (در ایام توقف بلده مینو مثال شیراز ، روزی در

هنگام سواری و عبور و مرور ، کوبه منصور (یعنی نادرشاه افشار)

بتکیه گاه لسان الغیب ، خواجه شمس الدین محمد حافظ شیرازی

اتفاق افتاد . در سر مزار برای پیش آمد کار ، بدیوان آن عند لیب

خوش گفتار تغال زدند . این غزل آمد :

سزد که از همه دلبران ستانی باج

چرا که بر سر خوبان عالمی چون تاج

ز چشم مست تو پرفتنه جمله ترکستان

بچین زلف تو ما چین و هند داده خراج

دهان شهد تو داده بخضر آب بقا

لب چونوش تو برده زقند مصر رواج

پس ۰۰۰ بقعه او را باز او پیه متبرکه شاه چراغ امر بعمارت فرمودند ۰ (ص ۱۱۳ تاریخ جهانگشای نادری با اهتمام سید عبدالله انوار)

کریمخان زند در سال ۱۱۸۲ هـ ۰ ق دور محوطه بزرگی که قبر حافظ در آن قرار داشت حصار کشید و وسط آنرا عمارتی ساخت بطوریکه محوطه مزبور بدو قسمت مجزا تقسیم شد ۰

عمارت مزبور از چند اطاق که طاق ضربی داشتند تشکیل میشد و در وسط ایوانی داشت که بوسیله چهار ستون سنگی یکپارچه نگهداری میگردد و در زیر گوشه غربی آن آب انبار بی نظیری ساخت که آب رکن آباد آنرا پر میکرد (چهار ستون آب انبار مزبور هنوز سالم و باقی است) ۰

علاوه بر آن سنگ بزرگ مرمر عالی به ابعاد ۴۰ × ۸۰ × ۲۶۶ سانتی متر نیز بروی مزار او گذاشت که خوشبختانه هنوز سالم و بروی قبر او قرار دارد ۰

کتیبه سنگ که بخط نستعلیق خوب نوشته شده و حجاری گردیده بشرح زیر است در وسط بالای سنگ در میان ترنجی این جمله نوشته شده است : * انت الباقی و کل شیئ هالک * در زیر آن شش بیت از غزل زیر، در دوازده سطر، باقلم درشت و بخط نستعلیق عالی نوشته شده است :



حافظیه

میرزا حسن عکاس
۱۳۱۸

حافظیه در اوائل دوره قاجاریه
قبری که سه نفر اطراف آن ایستاده اند قبر حافظ است

مژده وصل تو کو ، کز سر و جان برخیزم
 طایر فدم و از دام جهان برخیزم
 بو فای تو گر بنده خویشم خوانی
 از سر خواجگی کون و مکان برخیزم
 یارب از ابر هدایت برسان بارانی
 بیشتر زانکه چو گردی ز میان برخیزم
 بر سر تربت من بی می و مطرب منشین
 تا ز شوقت ز لحد رقص کنان برخیزم
 گر چه پیرم تو شبی تنگ در آغوشم گیر
 تا سحرگه ز کنار تو جوان برخیزم
 خیز و بالا بنمای بت شیرین حرکات
 که چو حافظ ز سر جان و جهان برخیزم
 دور این کتیبه ، غزل دیگر حافظ بشرح زیر نوشته شده است :
 ایدل غلام شاه جهان باش و شاه باش
 پیوسته در حمایت لطف اله باش
 از خارجی هزار بیک جو نمیخوردند
 گوکوه تا بکوه منافق سپاه باش
 امروز زنده ام بولای تو یا علی
 فردا بروح پاک امامان گواه باش

آنرا که دوستی علی نیست کافر است
 گو زاهد زمانه و گو شیخ راه باش
 قبر امام هشتم ، سلطان دین رضا
 از جان بیوس و بر در آن بارگاه باش
 حافظ طریق بندگی شاه پیشه کن
 و آنگاه در طریق ، چو مردان راه باش
 در دو گوشه بالای سنگ این دو مصرع نوشته شده است :
 بر سر تربت ما چون گذری همت خواه
 که زیارت گه رندان جهان خواهد بود
 و در دو گوشه پائینی سنگ این دو مصرع نوشته شده است :
 چراغ اهل معنی خواجه حافظ

بجو تاریخش از خاک مصلی
 کتیبه این سنگ بخط " حاجی آقاسی بیگ افشار " از اهل
 آذربایجان است . که در اردوی نادر شاه بوده و در زمان
 کریمخان زند بواسطه دوستی که با او داشته ، بشیراز میآید
 و شهریار زند مقدم آن هنرمند خوش نویس را گرامی میدارد .
 (صفحه ۲۸۳ کتاب شیراز تألیف آقای علی سامی)
 در سال ۱۲۷۳ هجری قمری طهماسب میرزا ملقب به
 مؤید الدوله که حکمران فارس بود آرامگاه حافظ را تعمیر و
 مرمت کرده است . (کتاب ۱۵ مقاله تألیف آقای سید محمد تقی

مصطفوی)

در سال ۱۲۹۵ هـ . ق مرحوم فرهاد میرزا ملقب به
معتمد الدوله فرمانفرمای فارس محجری آهنی دور قبر خواجه
نصب کرد .

در سال ۱۳۱۲ هـ . ق یکنفر زرد شتی بنام "آرد شیر" که
ساکن یزد بوده است . تغالی بدیوان خواجه میزند و این بیت
میآید .

ای صبا با ساکنان شهر یزد از ما بگوی

کای سرحق ناشناسان گوی میدان شما

گرچه دوریم از بساط قرب ، همت دور نیست

بنده شاه شمائیم و ثناخوان شما

آرد شیر از این ابیات متأثر شده ، بشیراز میآید و آرامگاه

حافظ را تعمیر میکند . و محجری بر بالای قبر آن قرار میدهد

ولی بعد از مدتی یکی از مجتهدین متعصب شیراز به بهانه

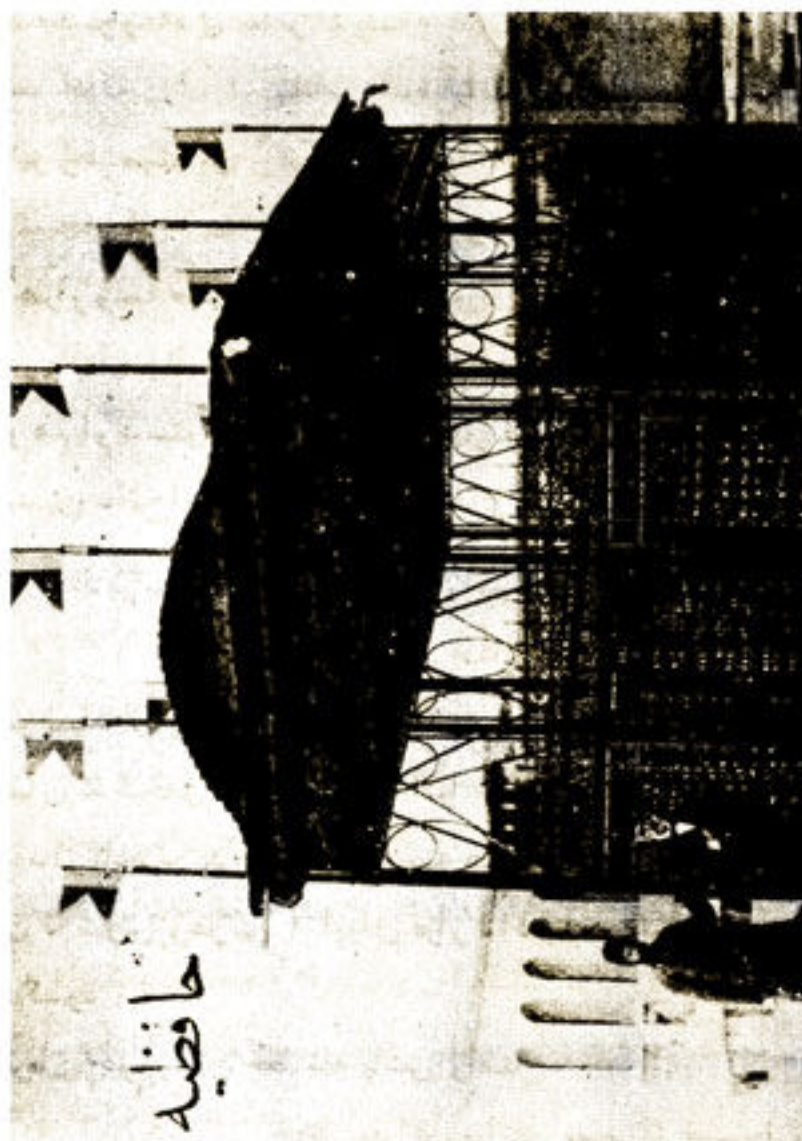
اینکه یکنفر گبر محجر خواجه را ساخته است ، آنرا خراب میکند .

در سال ۱۳۱۹ هـ . ق شاهزاده " ملک منصور " ملقب به

شعاع السلطنه والی فارس گردیده و بدستور او مهندس مزین

الدوله محجری آهنین دور مزار حافظ ساخت . و کتیبه زیر را

باخط نستعلیق برپیشانی آن نگاشت :



محجر اطراف قبر حافظ که وسیله شعاع السلطنه ساخته شده
مرحوم فرصت الدوله فیلسوف و شاعر نامی در سمت چپ آرامگاه ایستاده
است

بعهد خسرو عادل مظفرالدینشاه
به امر زاده آزاده اش ملك منصور
خرد پژوه مهندس "مزين الدوله"
بريخت طرح و بداد اين اساس رادستور
بد از هزار و سه صد ، نوزده فزون كآورد
شعاع السلطنه اين طرفه بقعه رابظهور
و هم او دستور داد كه در طرفين ايوان كرىمخانى غزل
راكه بدين مطلع است :

روضه خلدبرين خلوت در و پشان است
مايه محتشمى خدمت در و پشان است
بنويسند ، از اين روعبدالصمد معروف به لله باشى ظلل
السلطان كه شخص باذوقى بوده آنرا بخط نستعليق از روى خط
مير عماد از كاغذ بر يده و بر روى تخته هاى مربع مستطيل نصب و
طرفين (شرقى و غربى) ايوان قرار داد و آخر آنهم اين بيت
اضافه كرد :

داد فرمان چو بر اين خط لله باشى ز هنر
خوش بمقراض و رانقل نمود از خط مير
(بعد ها مرحوم على معارفى از روى آن خط غزل مزبور را روى)
(سنگ نگاشت كه اكنون باقى است)

در سال ۱۳۵۰ هـ ق " ۱۳۱۰ شمسى " مرحوم فرج الله

بهرامی ، دبیر اعظم استاندار فارس شد و نظر به علاقه ای که به حافظ داشت ، میخواست آرامگاه مجللی را برای حافظ بسازد و لذا سر در بزرگی از سنگ در وسط دیوار جنوبی حیاط جنوبی آرامگاه ساخت (این سر در بعد ها خراب گردید) و نارنجستان آنرا سر و صورتی داد .

و در جنوب آرامگاه حافظ خیابانی احداث کرد و از این شعر حافظ :

مقام اصلی ما گوشه خرابات است

خداش خیر دها دانکه این عمارت کرد

الهام گرفته آنرا خیابان خرابات نامید که بعد ها به خیابان

گلستان نامیده شد . و تا آرامگاه سعدی امتداد یافت و لی طولی

نکشید که مرحوم بهرامی بتهران احضار شد و نقشه او متوقف ماند .

روز ۲۴ آذر ماه سال ۱۳۱۰ که مرحوم بهرامی میخواست

تعمیرات حافظیه را آغاز کند بر سر تربت حافظ جشنی ترتیب داد

که عده زیادی از دانشمندان و شعراء و محترمین شیراز در آن

شرکت داشتند . در آن مجلس مرحوم بهرامی خطابه غرائی را

قرائت کرد که مشهور گردید . (متن این خطابه در کتاب بناهای

تاریخی و آثار هنری جلگه شیراز تألیف نگارنده چاپ شده است)

حافظیون - در هنگامیکه دبیر اعظم بهرامی مشغول

تعمیرات حافظیه بود ، مرحوم اعتمادالتولیه روحی که از دانشمندان



آرامگاه حافظ از داخل محجر آهنی

و شعراء شیراز بود و علاقه خاصی نسبت به حافظیه داشت ،
عده ای را گرد آورد و نام آنرا حافظیون گذاشت . این جمعیت
شبها در قهوه خانه ای که در جوار آرامگاه حافظ بود جمع میشدند
و با خواندن غزلها و ساقی نامه حافظ طی مراسمی دور قبر حافظ
طواف میکردند ، در همین موقع است که مرحوم روحی با پای برهنه
و جاروب بدست در مقابل ضریح حافظ عکس برداشته که در اینجا
گزارش میشود و غزل زیر هم بهمین مناسبت سروده و ذیل آن
عکس خود نوشته است :

بغیر از عشق و اسرار حقیقت

نباشد حافظیون را طریقت

همان رندان عالم سوز عاشق

که کرده زیر و رو ملک طبیعت

درین کانون عشق و مرکز نور

فر و آورده سر با صد حقیقت

همه خوبی و زیبایی عالم

نهاده اندرین مدفن و دیعت

بود این مرکز صلح عمومی

بصلح کل بس است این یک نصیحت

بدشمن کن مدارا ، رحم باد و ست

بود از قول این صاحب شریعت



جمعیت حافظیوں در کنار آرامگاہ حافظ

ولی چون دید این انسان کامل
 نکرده آدمی بو ، این فضیلت
 فریبد مغربی ، مشرق زمین را
 بدین الفاظ مکرر پر خدیعت
 بگفتا عالمی از تو بییـــــابد
 مگر پاگیرد آنجا آدمیـــــست
 فروردین ۱۳۱۱ - روحی حافظی
 بامرگ مرحوم روحی در تابستان ۱۳۱۱ جمعیت حافظیون
 هم متلاشی شد .

- (مرحوم روحی در طی مدتی که جمعیت حافظیون را تشکیل)
- (داده بود ، با همکاری افراد دانشمند جمعیت دیوان حافظ)
- (را با استفاده از نسخ چاپی و خطی با شرح و حواشی کامل)
- (تصحیح نموده و با خط نستعلیق نوشته و قرار بود به چاپ)
- (برساند که عمر او وفا ننموده و وراث او بکلی حافظ مذکور)
- (را از بین بردند)

(ناشر)

آخرین تعمیرات حافظیه

" این سرائی است که البته خلل خواهد یافت"
" خنک آن قوم که در بند سرای دیگرند"
در زمان سلطنت اعلیحضرت رضاشاه کبیر هنگامیکه دانشمند
گرانمایه جناب آقای علی اصغر حکمت استاد ممتاز دانشگاه تهران
وزارت معارف و اوقاف (آموزش و پرورش فعلی) را عهده دار بود
نظر بعلاقه ایکه به حافظ داشت وسائل ساختن آرامگاه حافظ را
فراهم ساخت و آنرا بشکل آبرومند کنونی در آورد .
ساختمان آرامگاه حافظ در سال ۱۳۱۴ شمسی شروع شد
و در سال ۱۳۱۶ پایان یافت طرح نقشه آرامگاه بوسیله اداره
کل باستانشناسی آنوقت ریخته شد .
در این ساختمان عمارت قدیمی کریمخان زند بصورت تالاری
درآمده که ۵۶ متر طول دارد و بوسیله بیست ستون سنگی بلند
نگهداشته میشود (چهار ستون یکپارچه کریمخانی در میان این
ستونها قرار دارد) که محوطه حافظیه را بدو قسمت مجزا (حیاط
شمالی و حیاط جنوبی) تقسیم کرد .
در اینجا قسمتی از مطالبی را که آقای حکمت در حاشیه صفحه

۳۳۳ کتاب از سعدی تاجامی نوشته اند : نقل مینماید :
آرامگاه حافظ که در حال تحریر بنائی است مجلل و زیبا
در زمانیکه راقم این حواشی بخدمت وزارت معارف مشغول بود
بحمدالله به انجام ساختمان آن موفق گردید

در سال ۱۳۱۰ هـ - ش بعضی از حکام خیراندیش -
شیراز را بخاطر گذشت که بنای قدیم حافظیه را که از عهد
کریمخان زند ملقب به وکیل باقی مانده و رو بخرابی و کهنگی
نهاده بود تعمیر و مرمتی بسزا نماید . (مقصود دبیر اعظم
بهرامی است که شرح آن گذشت)

بنابراین عمارت مذکور را که عبارت بود از ایوانی دو رومشتمل
بر چهار ستون سنگی بزرگ و یک ردیف حجرات خراب کرده در
صدد ساختمان جدید برآمد ، متأسفانه حوادث مجال اتمام به
ایشان نداد .

در سال ۱۳۱۳ شمسی که بمناسبت ساختن آرامگاه فردوسی
در تمام ایران ، جوش و جنبش خاصی نسبت به آثار بزرگان ادب
بظهور رسیده بود ، خاطر صاحب‌دلان شیراز از خرابی آرامگاه
حافظ محزون و غمین بود و این بنده نیز که در این تأثر و تأسف با
ایشان شریک و انباز بودم ، پیوسته با خود می اندیشیدم که چه
شود اگر بنای مجللی چنانکه در خورشان و منزلت خواجه شیراز
است بر سر مزار او بیادگار ساخته شود

اندکی برنیامد که از وجوه بر و منابع خیر ، من حیث
لا یحتسب سرمایه فراهم آمد و در سال ۱۳۱۴ که هنوز این
بنده نویسنده بخدمت معارف مشغول بود ، بنائی رفیع
و گنبدی منیع بر سر بنای آرامگاه آغاز گشت و آن بنای ارجمند
در سال ۱۳۱۶ شمسی بکلی پایان یافت .

بجای چهار ستون ، ۱۶ ستون بزرگ از سنگ محکم
افراشته است . (یعنی ۱۶ ستون اضافی که با ۴ ستون وکیلی
مجموعاً ۲۰ ستون میگردد) و بر سر قبر نیز گنبدی متین بر
هشت پایه سنگین نصب گردید و از ابیات و اشعار خواجه غزلهای
غرا انتخاب گشت و چون خواجه خود در حسن خط استاد —
خطاطان بوده است . یکی از استادان ثلث نویس معاصر (حاج
میرزا عبدالحمید ملک الکلامی معروف به امیرالکتاب خطاط هنرمند
معاصر ۱۲۶۲—۱۳۲۸ ، برای دانستن شرح حال او رجوع
شود بشماره ۵ سال سوم مجله اطلاعات ماهانه) آنها را بهمان
شیوه برنگاشت و بر روی کاشیههای ظریف بر آورده در دیوار را
به آن زینت بخشود .

نقشه این بنا را مهندس گدار فرانسوی طرح و رسم نموده
و به اهتمام مرحوم علی ریاضی رئیس معارف و معماران و سنگتراشان
و کاشی کاران شیراز به محل اجرا گذاشته شد

* * * *



تالار جدید حافظیه

اینک وضع کنونی حافظیه را شرح میدهم .
چنانکه ذکر شد ، حافظیه بد و صحن (حیاط مجزای شمالی
و جنوبی) تقسیم شده است و حد فاصل ایند و صحن تالار ۵۶
متری است که سقف آن بوسیله ۲۰ ستون سنگی پنج متری یکپارچه
نگهداری میشود .

صحن شمالی - صحن شمالی حافظیه به ابعاد ۵۰ × ۶۰
متر است . که سابقاً " قبرستان عمومی بوده است . در وسط این
صحن ، قبر حافظ قرار دارد که یادداشتن پنج پله قریب یکمتر از
کف صحن مرتفع تر است .

سنگ مرمریکه کریمخان زند بر روی مزار حافظ افکنده بهمان
حال باقی است ، کتیبه سنگ قبر حافظ بشرحی است که در صفحه
ذکر آن رفته است .

بالای قبر گنبدی است که بوسیله هشت ستون سنگی یکپارچه
پنج متری (بشکل ستونهای کریمخانی) نگهداری میشود ، سطح
خارجی گنبد بوسیله ورقهای مس ترك تركی مانند کلاه قلندران و
در و یشان پوشیده و سقف گنبد با کاشیهای رنگین معرق تزیین
شده است .

دور تادور زیر سقف ابیات زیر بخط ثلث روی کاشی نوشته
شده است .

حجاب چهره جان میشود غبار تنم
 خوشا دمی که از این چهره پرده برفکنم
 چنین قفس نه سزای چو من خوش الحانی است
 روم برو ضه رضوان که مرغ آن چمنم
 چگونه طوف کنم در فضای عالم قدس
 که در سرا چه ترکیب تخته بند تنم
 مرا که منظر حور است مسکن و مأوی
 چرا بکوی خراباتیان بود وطنم؟؟
 طراز پیرهن زر کشم مبین چون شمع
 که سوزهاست نهانی درون پیرهنم
 عیان نشد که چرا آمدم کجا رفتم؟
 دریغ و درد که غافل بکار خویشتنم
 اگر ز خون دلم بوی شوق میآید
 عجب مدار که همدرد آهوی ختنم
 بیا و هستی حافظ ز پیش او بردار
 که با وجود تو کس نشنود ز من که منم
 در جنوب صحن دو حوض آب است که هر یک بو سیله دو باغچه
 که دارای درختهای نارنج میباشد محصور است دور تا دور سمت
 شرقی و شمالی و غربی صحن نیز باغچه هائی است که در آنها
 کاج و سرو و نارنج کاشته شده و گل و چمن کاری گردیده است .



دورنمای آرامگاه حافظیه و تالار آن

سمت شرقی — در سمت شرقی این صحن دیوار بلندی است
که پشت آن توالت و گلخانه و آرامگاه های خصوصی است .
در پیشانی این دیوار کاشی هائی نصب گردیده که ابیات
زیر بخط ثلث روی آنها نوشته شده است .
مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو

یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو
گفتم ای بخت به خسبیدی و خورشید دمید

گفت با اینهمه از سایقه نو مید مشو
تکیه بر اختر شبگرد مکن کاین عیار

تاج کاوس ر بود و کمر کیخسرو
گر روی پاک و منزه چو مسیحا بفلک

از فروغ تو بخورشید رسد صد پرتو
آسمان گو مفروش این عظمت کاند ر عشق

خر من مه به جوی خوشه پروین بد و جو
گو شواره دَر و لعل ارچه گران دارد گوش

دور خوبی گذران است نصیحت بشنو

* * * * *

من اگر نیکم اگر بد تو برو خود را باش

هر کسی آن درود عاقبت کار کسه کشت

همه کس طالب یارند ، چه هوشیار و چه مست
 همه جاخانه عشق است چه مسجد ، چه کنشت
 سر تسلیم من و خشت در میکده هــــا
 مدعی گر نکند فهم سخن ، گو سرو خشت
 ناامیدم مکن از سابقه لطف ازل
 توجه دانی که پس پرده چه خوب است و چه زشت
 بر عمل تکیه مکن خواجه که از روز ازل
 توجه دانی قلم صنع بنامت چه نوشت ؟
 نه من از خانه تقوی بدر افتادم و بس
 پدرم نیز بهشت ازل از دست بهشت
 باغ فردوس لطیف است ولیکن ز نهــــار
 تو غنیمت شمرا این سایه بید و لب کشت
 حافظا روز اجل گر بکف آری جـــــامی
 یکسر از کوی خرابیات بر نددت به بهشت
 سمت شمالی - در سمت شمالی صحن شمالی حافظیه دیواری
 است که پشت قسمت شرقی آن ، قسمتی زمین خالی است .
 و قسمتی مقابر اشخاص - در وسط این سمت عمارت کتابخانه
 است . و (شرح کتابخانه در آخر این کتاب داده میشود) پشت
 قسمت غربی دیوار حیاط کوچک است که چند مقبره در اطاقهای
 آن قرار دارد (اطاقهای این حیاط تحت تعمیر است تا بصورت

چایخانه در آید ۰

در پیشانی این دیوار کاشی هائی نصب گردیده که روی آنها
ابیات زیر بخط ثلث نوشته شده است .
سحرم هاتف میخانه بدولت خواهی
گفت باز آی که دیرینه این در گاهی
همچو جم جرعه می کش که بسر ملکوت
پرتو جام جهان بین دهدت آگاهی
بر در میکده زندان قلندر باشند
که ستانند و دهند افسر شاهنشا هی
خشت زیر سرو بر تارک هفت اختر پای
دست قدرت نگر و منصب صاحب جاهی
سر ماو در میخانه که طرف باش
بفلك بر شده دیوار بدین کوتاهی

* * * * *

اگر سلطنت فقر به بخشند ایدل
کمترین ملک تو از ماه بود تا ماهی
با گدایان در میکده ای سالک راه
به ادب باش گراز سر خدا آگاهی
قطع این مرحله بی همرهی خضر مکن
ظلمات است بترس از خطر گمراهی

ای سکندر بنشین و غم بیهوده مخور
که نبخشند تو را آب حیات از شاهسی
حافظ خام طمع شرمی از این قصه بدار
عملت چیست که مزدش دو جهان میخواهی ؟
سمت غربی - در سمت غربی ، دیواری است که پشت
آن مقابر اشخاص مختلف است و قسمت دیگر مقبره خانواه قوام -
الملك شیرازی میباشد که سردر مرتفعی دارد و پشت مقبره نیز
حیاط کوچکی است که در سمت مغرب آن چندین مقبره اشخاص
است .

در پیشانی این دیوار کاشی هائی نصب شده که روی آنها
ابیات زیر بخط ثلث نوشته شده است:
بیا که قصر امل سخت سست بنیاد است
بیار باده که بنیاد عمر بـــــر باد است
نصیحتی کنت یادگیر و در عمل آر
که این حدیث پیر طریقم یـــــاد است
مجدد رستی عهد از جهان سست نهاد
که این عجزه عروس هـــــزار داماد است
چگویمت که بمیخانه دوش مست و خراب
سروش عالم غیبیم چه مزده هاداد است

که ای بلند نظر شاهباز سدره نشین
 نشیمن تونه این کنج محنت آباد است
 تراز کنگره عرش میزنند صغیر
 ندانمت که درین دامگه چه افتاده است
 غم جهان مخور و پند من مبر از یاد
 که این لطیفه نغزم زر هروی یاد است
 رضاداده بده وز جبین گره بگشا
 که بر من و تو در اختیار نگشاد است
 غلام همت آنم که زیر چرخ کبود
 ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است
 نشان عهد و وفانیست در تبسم گل
 بنال بلبل بیدل که جای فریاد است
 حسد چه میبری ای سست نظم بر حافظ
 قبول خاطر و لطف سخن خداداد است
 سمت جنوبی - این سمت تالار سرتاسری است و قریب یکمتر
 از کف صحن مرتفع تراست . در پیشانی آن کاشی هائی نصب
 است که ابیات زیر بر روی آنها بخط ثلث نوشته شده است :
 چو بشنوی سخن اهل دل مگو که خطاست
 سخن شناس نه ای دلبر اخطا اینجا است

سرم به دینی و عقبی فرومی آید
 تبارك الله از این فتنه ها که در سرماست
 در اندرون من خسته دل ندانم کیست
 که من خموشم و او در فغان و در غوغاست
 دلم ز پرده برون شد ، کجائی ای مطرب
 بنال هان که از این پرده کارما بنواست
 مرا بکار جهان هرگز التفات نبود
 رخ تو در نظر من چنین خوشش آراست
 نخفته ام بخیالی که می بزم شبها
 خمار صد شبه دارم شرابخانه کجاست
 چنین که صومعه آلوده شد ز خون دلم
 گرم بباده بشوئید حق بدست شماست
 از آن بدیر مغانم عزیز میسدارند
 که آتشی که نمیرد همیشه در دل مااست
 چه ساز بود که بنواخت مطرب عشاق
 که رفت عمرو هنوزم دماغ پر ز صداست
 چنین که خر قه می آلوده ام من از مستی
 کجاست وقت عبادت چه جای ورد و دعاست
 ندای عشق تو دو شم در اندرون دادند
 فضای سینه حافظ هنوز پر ز صداست

تالار حافظیه - این تالار از ساختمانهای کریمخان زند است
 که سابقاً در وسط ، تالاری با چهار ستون داشت و هر طرف
 آن تالار چهار اطاق بود ولی در تعمیرات اخیر اطاقها را
 برداشته و تالار فعلی بطول ۵۶ متر و عرض ۸ متر با ۲۰ ستون
 سنگی یکپارچه به ارتفاع پنج ذرع بوجود آمده است .
 طرفین تالار (در مشرق و مغرب آن) دو اطاق ساخته شده که
 فعلاً یکی دفتر حافظیه و دیگری اطاق سرایدار است .
 در پیشانی این دو اطاق یکی دیگر از غزلهای حافظ را
 بخط نستعلیق بروی سنگ مرمر نوشته و نصب کرده اند . نویسنده
 این خط مرحوم علی معارفی خطاط معروف شیرازی است که از
 روی نوشته عبدالصمد لله باشی مطابق خط میرعماد تقلید کرده
 است . این ابیات در مشرق تالار است :
 روضه خلد برین خلوت در ویشان است
 مایه محتشمی ، خدمت درویشان است
 قصر فردوس که رضوانش بدر بانی رفت
 نظری از چمن نزهت درویشان است
 دولتی را که نباشد غم از آسیب زوال
 بی تکلف بشنو دولت درویشان است
 ابیات زیر در مغرب تالار است :

ای توانگر مفروش این همه نخوت که تورا
 سر و زر در کنف همت درویشان است
 گنج قارون که فرو میرود از قهر هنوز
 خوانده باشی که هم از همت درویشان است
 حافظ آرزای حیات ابدی میخواهی
 منبعش خاک ره خلوت درویشان است
 در زیر اطاق غربی تالار ، آب انبار معروف و کیلی قرار
 دارد که هنوز سالم است و سابقاً از آب رکن آباد پر میشده
 ولی اکنون از آب چاه عمیقی که خارج از حافظیه حفر شده و متعلق
 بشهرداری است پر میشود و آب آن برای پر کردن حوضها و
 آبدادن باغچه ها بکار میرود .
 حیاط جنوبی - این حیاط که نسبت بکف تالار ۱۸ پله
 (قریب ۴ متر گود تراست به ابعاد ۸۰ × ۱۵۰ متر است .
 در وسط این حیاط باغچه باریک بلوارمانندی است
 بعرض ۴ متر که در آن چمن و گل کاشته میشود . طرفین این
 بلوار دو خیابان بعرض ۴ متر است که برای ایاب و ذهاب —
 اختصاص دارد .
 آنگاه در طرف دو خیابانها دو باغچه است ، بابعاد
 ۲۰ × ۴۵ متر است که اطراف آنها سرو و کاج کاشته اند و صحن
 باغچه ها چمنکاری شده است ، در وسط هر یک از این دو باغچه

يك حوض مستطیلی با ابعاد 4×22 متر ساخته شده است .
فواره های سنگی و سنگهای لبه این دو حوض که بزرگ
و تا كف حوض یکپارچه است ، لبه یکی از حوضهای با غ نظر
است که در مشرق عمارت کلاه فرنگی قرار داشت و از ساخته -
های کریمخانی بود و چون در سال ۱۳۱۵ شمسی هنگام امتداد
خیابان کریمخان زند در مسیر آن قرار گرفت و خراب شد سنگهای
آن در ساختن این دو حوض بکار برده شده .
طرفین این دو با غچه خیابانی است بعرض ۴ متر که برای
ایاب و ذهاب احداث کرده اند .

در مشرق و مغرب حیاط دو نارنجستان است که هر يك
به ابعاد 35×70 متر است و در هر يك تعدادی درخت
نارنج کاشته اند و علاوه بر اینکه پیوسته سبز و خرم است ، در
فصل بهار که غرق گل نارنج (بهار نارنج) میشود تمام فضای
حافظیه را معطر میسازند .

سه طرف این حیاط دیوارهای آجری مرتفعی است منتها
قسمتی از وسط دیوار جنوبی را برداشته و نرده های آهنی
نصب کرده اند و در وسط آن در ورودی به حافظیه قرار دارد
که با سه پله به خیابان گلستان متصل میشود ، در نتیجه از داخل
تالار حافظیه دور نمای زیبای شهر شیراز تا دامنه کوه قبله ،
بخوبی دیده میشود .

در پیشانی جنوبی تالار (رو بسمت در ورودی) ابیات
زیر که بخط ثلث بروی کاشی نوشته شده است نصب گردیده
و در وسط آنها تاریخچه تعمیرات اخیر را بخط نستعلیق بر روی
کاشی نوشته شده و نصب کرده اند .
ابیات مزبور چنین است :

گل‌گذاری ز گلستان جهان مارا بس
زین چمن سایه آن سرو روان مارا بس
من و هم صحبتی اهل ریادورم باد
از گرانان جهان رطل گران مارا بس
قصر فردوس بپاداش عمل می بخشند
ماکه رندیم وگدا ، دیرمغان مارا بس
بنشین بر لب جوی و گذر عمره بین
کاین اشارت ز جهان گذاران مارا بس

* * * * *

نقد بازار جهان بنگر و آزار جهان
گر شمارانه بس این سود و زیان مارا بس
یار با ماست چه حاجت که زیادت طلبیم
دولت و صحبت آن مونس جان مارا بس
از درخویش خدا را به بهیستم مفرست
که سرکوی تواز کون و مکان مارا بس

حافظ از مشرب قسمت گله بی انصافی است
طبع چون آب و غزلهای روان مارابس

* * * * *

و اینک کتیبه مزبور :

ساختمان آرامگاه حافظ شیرازی بموجب امر اعلیحضرت —
همایون شاهنشاه ایران رضاشاه پهلوی بدستور جناب آقای
حکمت وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه در سنه یکهزار
و سیصد و شانزده هجری شمسی انجام پذیرفت .
مقبره شعراء و دانشمندان — در مغرب حیاط شمالی
حافظیه قطعه زمینی بود که مقبره عمومی بود و عده زیادی از
معارف شیراز در آن مدفون بودند ، در سال ۱۳۴۸ شمسی
بدستور وزارت فرهنگ و هنر اداره کل فرهنگ و هنر فارس آنرا
تسطیح و دور آنرا حصار کشید . بطوریکه زمینی بابعاد —
۲۰ × ۳۸ متر فراهم گردید و قرار شد که آنرا اختصاص بدفن
شعراء و دانشمندان و بزرگان علم و ادب قرار دهند .
تعمیرات مجدد — در سال ۱۳۵۰ شمسی که قرار بسود
بمناسبت فرار رسیدن جشن های فرخنده دو هزار و پانصدمین
سال بنیان گذاری شاهنشاهی ایران جشنهایی در شیراز
برگزار شود ، اداره کل فرهنگ و هنر فارس تعمیرات مفصلی
در آرامگاه حافظ بعمل آورد و علاوه بر اینکه سنگ فرشهای صحن

و پلکان حافظیه را تعویض کردند. تعمیرات دیگری هم در آن بعمل آوردند و گلخانه مفصلی ایجاد کردند. با احداث باغچه‌های برگل و چمن و تکمیل نارنجستان آن بر رونق و نزهت آن افزودند برای روشن کردن صحن آرامگاه و باغچه‌ها چراغهای مخصوصی بانور مهتابی نصب شد که در شب جلوه و شکوه خاصی به حافظیه می‌دهد.

هم اکنون آرامگاه حافظ و کتابخانه حافظیه توسط اداره کل فرهنگ و هنر فارس اداره میشود و از ساعت هفت با مداد تا هشت بعد از ظهر برای استفاده عمومی باز است و عموم طبقات از مناظر دل انگیز آن مخصوصاً شبها استفاده مینمایند.

چایخانه - حیاط کوچکی که در زاویه شمال غربی حافظیه قرار داشت و اطاقهای آن بشکل مقبره خصوصی درآمده بود از طرف اداره کل فرهنگ و هنر فارس بصورت اصلی و قدیمی خود و بسبب معماری زمان زندیه در آورده شد تا بصورت چایخانه حافظیه در آید، در اینجا زیارت کنندگان آرامگاه حافظ ضمن استراحت و نوشیدن چای از روح پاک حافظ همت میطلبند و از دیوان او تغال میزنند.

حافظیه از نظر دیگران

"خو شتر آن باشد که ذکر دیگران"

"گفته آید در حدیث دیگران"

بسیاری از مورخین و سیاحان داخلی و خارجی که بشیراز آمده اند، شرحی در باره آرامگاه حافظ نوشته اند. این شرح که در ادوار مختلفه حافظیه را مجسم میکنند بقدری زیاد است که نقل آنها خود کتاب مستقلی را تشکیل میدهد. معروفترین این شرح عبارتند از:

- ۱- تاورینه - در سفرنامه خود که در سال ۱۰۷۶ هـ. ق نوشته
- ۲- فلاندن - ۱۲۵۲
- ۳- دیولافوا - ۱۲۹۹
- ۴- حاج میرزا حسن - در فارسنامه ناصری ۱۳۰۰ "
- ۵- ادوارد بیرون - در سفرنامه خود در سال ۱۳۰۵ "
- ۶- خان ملک ساسانی - در کتاب شاهد شیراز ۱۳۱۰ "
- ۷- فرصت الدوله - آثار عجم در سال ۱۳۵۴ هـ. ق نوشته است

بزرگانیکه در جوار حافظ خفته اند

" رواق منظر چشم من آشیانه توست "

" کرم نما و فرود آکه خانه خانه توست "

در خاک مصلی از قدیم الایام گورستان مفصلی بوده است که اشخاص زیادی از طبقات مختلف مخصوصاً علماء و دانشمندان عرفا و شعراء در آن مدفون شده اند .

در زمان سلطنت کریم خان زند در اثر ساختن حافظیه و احداث جاده جنوبی آن قبرستان مزبور بدو قسمت تقسیم گردید .
۱- قسمت شمالی جاده شامل حافظیه و قبرستان عمومی و چهل تن .

۲- قسمت جنوبی آن بشکل قبرستان عمومی درآمد که تابعه شاه میرعلی بن حمزه امتداد داشت در سال ۱۳۱۰ شمسی جاده جنوبی حافظیه بشکل خیابانی درآمد که ابتدا آنرا خیابان خرابات و سپس خیابان گلستان نامیدند در این سال قبرستان جنوبی خیابان خرابات (گلستان) به باغ ملی تبدیل گردید .
در عرض ششصد سالی که از وفات حافظ میگذرد عده زیادی از علماء و مجتهدین ، شعراء و عرفاء و بزرگان شیراز در حافظیه مدفون شده اند که همه دارای سنگ و کتیبه بوده اند ولی در تعمیراتیکه از سال ۱۳۱۴ شمسی ببعده در حافظیه صورت گرفته

تمامی آن سنگها که بسیاری از آنها هم پوسیده شده بود برداشته شد بطوریکه اکنون سنگ قبر عده بسیاری کم از آنها باقی است . اینک بمعرفی کسانیکه در حافظیه مدفونند و قبور آنها معلوم و سنگ قبر دارند میپردازیم :

اول - کسانیکه در صحن حیاط شمالی حافظیه (اطراف مزار حافظ) مدفونند :

۱- میرزا نصیر ملقب به فرصت الدوله (۱۲۷۱ - ۱۳۳۹ هـ . ق) شاعر و دانشمند و مؤلف مشهور که چندین کتاب تألیف کرده که معروفتر از همه آثار عجم است و در شمال آرامگاه حافظ نزدیک به پلکان مزار حافظ مدفون میباشد و روی سنگ او علاوه بر قطعه‌ای که خود مرحوم فرصت الدوله حدیثی را نوشته و شعریکه گفته نقر شده ماده تاریخ او را که مرحوم شعاع‌الملک شیرازی سروده ، بدینسان نوشته شده است :

فرصت الدوله ، نصیرالدین ، فرصت

رفت و شد از رفتنش علم و ادب گم

سال تاریخش شعاع‌الملک گفتا

آه از فرصت نصیرالدین سیم

(مقصود از سه نصیرالدین عبارت از اول خواجہ نصیرالدین طوسی)

(دوم - میرزا نصیرجد اعلائی فرصت الدوله - سوم میرزا محمد)

(نصیرملقب به فرصت الدوله * برای اطلاع از حالات میرزا نصیر)

(دوم و سوم رجوع شود به کتاب آثار عجم)

۲- شیخ محمد اهللی شاعر معروف و صاحب کتاب مشهور
(سحر حلال) که بلافاصله در شمال قبر فرصت الدوله مدفون
است .

(گویند اهللی ، هنگام نزع وصیت کرده است که او را پهلوی قبر
حافظ دفن کنند و این شعر را هم سروده است :
خاکم بروز واقعه پهلوی او کنید

او قبله من است ، رخم سوی او کنید
و چون متولی حافظیه اجازه نمیداد که او را در جوار قبر حافظ دفن
کنند ، از دیوان حافظ تفأل میزنند این شعر میآید :
رواق منظر چشم من آشیانه تو ست

کرم نما و فرود آ که خاک ، خانه تو ست
از این رو او را در شمال قبر حافظ طوری دفن کردند که صورتش
بسوی قبر حافظ باشد .

روی سنگ قبر او پس از آیه ای از قرآن و یک رباعی ، این قطعه
نوشته شده است :

در میان فضلاء و شعراء	پیر با صدق و صفا بود اهللی
رفت و با مهربانی از عالم	پیرو آل عبا بود اهللی
سال فوتش ز خرد جستم گفت	پادشاه شعرا بود اهللی
شیخ محمد اهللی شیرازی طاب ثراه بعمر هشتاد و چهار وفات	



مقبره مولانا اهلی شیرازی در جوار حافظ

یافت و در سنه ۹۴۲ هـ . ق)

۳- قطب العارفين محمد هاشم ذهبي که از عرفای مشهور است
چسبیده به پلکانهای شمال مزار حافظ مدفون است . (کتیبه
سنگ او چنین است :

قد انتقل من دار الفانی الی دار الباقي قطب العارفين آقا محمد
هاشم الذهبي الشيرازی الملقب بالدر ویش قدس سره سنه الف و
مائه و تسعين و تسع من الهجره ۱۱۹۹ هـ . ق و سپس یکی از
غزلهای مولوی را نوشته اند .)

۴- قطب العارفين ميرزا عبدالنبي عارف معروف است که پائین
پای حافظ چسبیده و به پلکان مزار او مدفون است . (و کتیبه
سنگ او چنین است : قد انتقل من دار الفانی الی دار الباقي
قطب العارفين آقا ميرزا عبدالنبي الذهبي شيرازی الشريفي
الحسينی قدس سره فی سنه احدى و ثلاثين و مائين بعد الالف
من الهجره ۱۲۳۱ .)

۵- حاج ملا علی سمنانی عالم و عارف که قریب شش متر در شمال
قبر اهلی مدفون است . و (کتیبه سنگ قبر او چنین است :
باغ فردوس بیاداش عمل می بخشند

ماکه رندیم و گدا دیرمغان ما را بس
العالم الربانی و العارف الصمدانی الحاج ملا علی السمنانی
روح الله روحه .)

۶- حاج شیخ مهدی کجوری که از مجتهدین برجسته و علمای معروف قرن اخیر شیراز است و در شمال حیاط روی سکوی جلو کتابخانه ، مدفون است . (روی سنگ قبر او کتیبه مفصلی بخط ثلث عالی نوشته شده است . وفات آن مرحوم در سال - ۱۲۹۳ هجری قمری واقع شده است .)

۷- حاج سید محمدعلی کازرونی که از اجله علماء و مجتهدین قرن اخیر شیراز است و در شمال حیاط روی سکوی جلو کتابخانه مدفون است . (روی سنگ قبر او کتیبه مفصلی بخط ثلث خوب نوشته شده است . وفات آن مرحوم در سال ۱۳۳۳ هجری قمری واقع گردید است .)

۸- میرزا نظام الدین دستغیب - متوفی بسال ۱۰۳۰ هجری قمری که مردی دانشمند و شاعر بوده گویند چون خواستند مرقدش را در قبله حافظ حفر کنند بدیوان حافظ تغال زدند و این بیت آمد
جان بشکرانه کنم صرف که آن دُر یتیم

صدف دیده حافظ شده آرامگهش
و لذا او را نزدیک قبر حافظ دفن کردند ولی اکنون محل قبر او در حافظیه معلوم نیست)

دوم کسانی که در اطراف صحن شمالی حافظیه مدفون هستند :
۹- مرحوم حسن آزاد معدلی شاعر متوفی بسال ۱۳۴۳ شمسی که در مقبره خانوادگی معدل مدفون است .

۱۰ - مرحوم حجة الاسلام سيدعلی مجتهد کازرونی متخلص به رحمت که از فحول علماء و حکماء اخير شیراز است و در سال ۱۳۴۲ هـ ق وفات یافته و در مقبره خانوادگی علمای کازرونی مدفون است .

۱۱ - مقبره قاسم خان والی که اکنون محل کتابخانه حافظیه است .

مرحوم قاسم خان والی فارس این محل را برای مقبره خود اختیار کرد و چون در سال ۱۲۸۹ هـ ق وفات یافت او را در وسط عمارت مدفون ساختند و سنگ قبر او فعلاً زیر فرش کتابخانه است .

مرحوم قاسمخان والی مردی نیکوکار بوده است چنانکه در — فارسنامه ناصری نوشته شده است که :

..... قحط و غلا در عموم اجزای فارس شیوع داشته و قیمت یکمن گندم بوزن هفصد و بیست مثقال که آنرا نه عباسی (پنج عباسی معادل يك ریال بوده است) گویند بمبلغ ده ریال که مساوی دو مثقال و هفصد نخود نقره مسكوك است . رسید و جناب محمد قاسم خان والی مملکت فارس چندین گداخانه مهیا نمود که هر یکی گنجایش پنجاه شصت نفر گدا داشت و شش گداخانه را خود متحمل گشته و غذای گداهای آنها را میداد و چندین گداخانه دیگر در عهده بزرگان شیراز گذاشت و رفاه کلی برای گدایان حاصل آمد

فجزاه الله خيرا* ۰۰۰۰ و در شب یازدهم محرم این سال
 ۱۲۸۹ هجری قمری محمد قاسم خان والی و حکمران مملکت
 فارس بمرض سبات درگذشت (صفحه ۳۳۱ جلد اول فارسنامه
 ناصری) (سبات نام مرضی است و آن خواب طویل باشد —
 چنانکه بدشواری بیدار شوند — فرهنگ آندراج)
 شعرای معروف آندوره مانند: شعاع الملك و نقیب المالك
 و غیره برای ماده تاریخ وفات او اشعاری ساختند که چهارتای
 از آنها روی کاشی نوشته شده و در چهار زاویه مقبره او نصب
 کردند و اکنون روی آنها گچ مالیده اند .
 اینک برای نمونه یکی از آنها را در اینجا نقل میکنیم :
 ای دریغا ساخت گیتی منکسف در زیر خاک
 آفتاب برج دولت گوهر دریای نور
 میر باتدبیر قاسمخان والی شد به خلد
 بامسیحا برفلك شد باکلیم الله به طور
 در جوار حافظ شیراز ، قطب العارفین
 داد خیر الحافظینش جادریں خیر القبور
 بر سرش استاد معماران ابوطالب نمود
 طرفه ایوانی بناکروی جنان دارد قصور
 از بی تاریخ این ایوان نقیب الملك گفت
 باشد این ایوان زوالی سالها دارالسرور
 ۱۲۸۹

- ۱۲- در ضلع غربی حیاط شمالی عده ای مدفون اند که معروفتر از همه سالار چنگ شاعر معروف قرن اخیر شیراز است که در سال ۱۳۲۵ شمسی وفات یافته است .
- سوم کسانی که در زمین پشت دیوار غربی حیاط شمالی حافظیه (مقبره الشعراء و دانشمندان) مدفونند .
- (بطوریکه قبلاً " نوشتیم در این زمین عده زیادی از علماء و بزرگان و طبقات مختلفه شیراز مدفونند که هنگام تسطیح آن قبور آنها محو گردیده است .
- اشخاص معروفی که اکنون قبورشان معلوم است عبارتند از :
- ۱۳- مرحوم شیخ عبدالجبار که از مجتهدین معروف شیراز بوده و در سال ۱۳۱۹ هـ . ق وفات یافت .
- ۱۴- شیخ محمد صادق مجتهد متوفی بسال ۱۳۱۶ هـ . ق .
- ۱۵- حاج ملا محمد وحید مقتدا که در سال ۱۳۴۹ هـ . ق فوت شده است .
- ۱۶- مرحوم علی اکبر نخعی مشهور به افصح المتکلمین متوفی بسال ۱۳۴۵ هـ . ق .
- ۱۷- مرحوم شیخ محمد باقر مجتهد اصطهباناتی معروف به شهید رابع که در سال ۱۲۸۶ شمسی در راه مشروطیت شهید گردید .
- ۱۸- مرحوم محمد کاظمی شیرازی - فرزند خلدآشیان شیخ محمد کاظم شیرازی مرجع تقلید شیعیان که مردی عالم و دانشمند و کتاب

دوست بود و بشرحی که در قسمت کتابخانه ذکر میشود کتابخانه
نفیس خود را بکتابخانه حافظیه اهداء نمود - آن مرحوم در -
اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۲ شمسی وفات یافت و در این زمین
مدفون گردید .

۱۹- قبر مرحوم شیخ محمد تقی روانشاد معروف به فیلسوف که
از دانشمندان و معلمین برجسته فرهنگ فارس بود و در سال
۱۳۳۳ شمسی وفات یافت و نزدیک قبر پدرش مرحوم شهید رابع
مدفون است .

۲۰- قبر مرحوم دکتر لطفعلی صورتگر شاعر مشهور قرن اخیر
شیرازی است و کتیبه آن چنین است :

هوالباقی

گویند به اقصای جهان است دیاری

کانجا نکند حسرت و اندوه گذاری

آنجان بود ظلمی و هر جا که چنین است

فرخنده زمینی بود و نغز دیاری

خلقی همه ناکرده گناهند و بدیشان

هرگز ز خطائی ننشسته است غباری

یک ناله برون نامده آنجا ز گلوئی

الا که ز هجر گلی از نای هزاری

نبود ستم و جور در آنجا که گذارند
 پیران جهان دیده بهر کار قراری
 سر منزل عشق است ولی هجرسیه روز
 تابسته دمی طرف گرفته است کناری
 ای سر و خرامیده ترا جایگه آنجاست
 زیرا که جهان چون تو ندیده است نگاری
 من نیز بد نبال تو آیم که خوش آید
 شوریده بهر کوی دویدن پی یاری
 آنجا بنشینم و اگر بخت مدد گردد
 ریزم برهت از گهر اشک نشاری
 آرامگاه شاعر گرانمایه دکتر صورتگر فرزند میرزا آقاخان و نوه نقاش
 توانا لطفعلی خان متولد ۱۲۷۹ متوفی مهرماه ۱۳۴۸ .
 ۲۱- مرحوم محمد خلیل رجائی از دانشمندان و معلمین فاضل
 شیراز که در سال ۱۳۵۴ شمسی برحمت ایزدی پیوست ، در کنار
 قبر مرحوم کاظمی مدفون گردید .

کتابخانه حافظیه

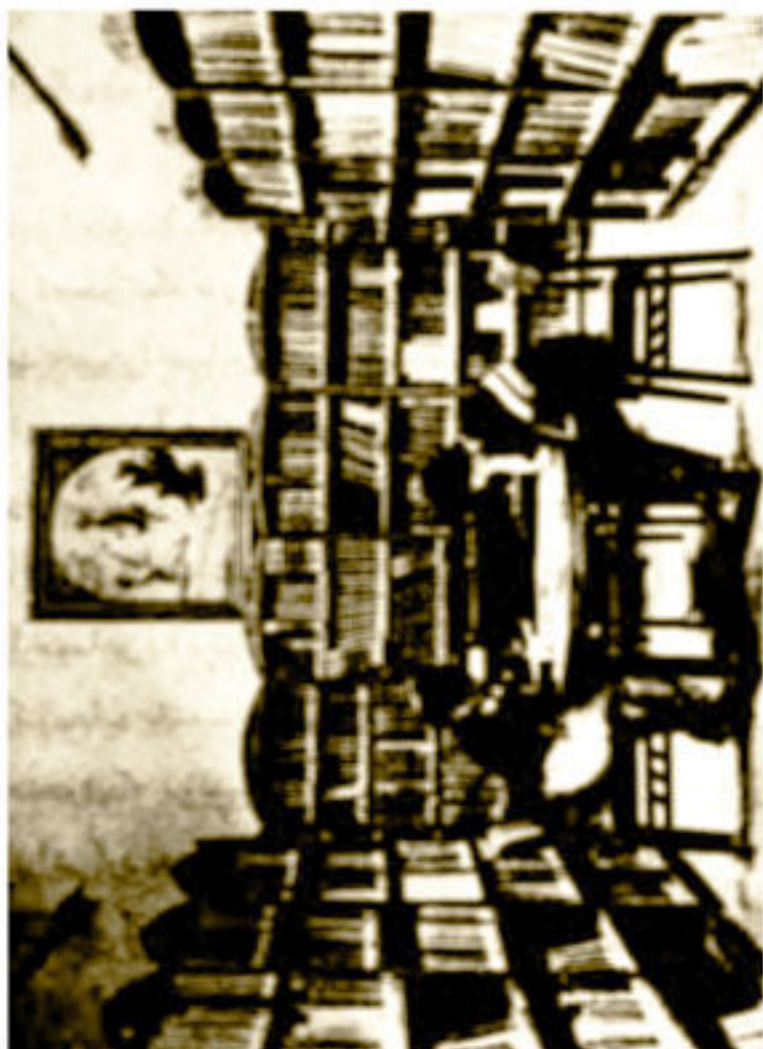
" در مکتب حقایق و پیش ادیب عشق "

" هان ای پسر بکوش که روزی پدرشوی "

بعد از تعمیراتی که در سالهای ۱۴-۱۳۱۶ شمسی در حافظیه صورت گرفت چنین احساس شد که باید در جوار آرامگاه حافظ کتابخانه ای بوجود آید از این رو در سال ۱۳۲۹ شمسی بدستور اداره کل فرهنگ فارس تعدادی از کتب کتابخانه ملی فارس — بحافظیه انتقال داده شد و مقبره قاسم خان والی را برای محل کتابخانه اختصاص دادند .

این کتابخانه با تعداد کمی کتاب ارسالی اداره فرهنگ و — تعداد مختصری که دانشمندان و علاقه مندان به آن اهداء — نمودند . دائر گردید ولی تعداد کتب بقدری اندک بود که نمیشد نام آنرا کتابخانه گذاشت .

در سال ۱۳۴۶ شمسی که امور کتابخانه های کشور به وزارت فرهنگ و هنر واگذار شد کتابخانه های شیراز از آن جمله کتابخانه حافظیه نیز تحت نظر اداره کل فرهنگ و هنر فارس قرار گرفت و بتدریج تعدادی کتب برای آن تهیه گردید . در سال ۱۳۵۰ هـ . ق دانشمند محترم و عالم بلند همت مرحوم آقای محمد کاظمی شیرازی (فرزند مرحوم آیت الله شیخ محمد کاظم



قسمتی از کتابخانه حافظیه

شیرازی مجتهد و مرجع تقلید) که علاقه وافری بکتاب داشتند و در سالهای پیش کتابخانه معظمی را در منزل تشکیل داده بودند علو همت و بلند نظری عجیبی از خود بروز دادند و کلیه کتابهای کتابخانه خود را با قفسه‌ها و میل و اثاثیه آن بکتابخانه حافظیه اهدا^۱ فرمودند .

کتاب اهدائی مرحوم کاظمی که متجاوز از پنج هزار جلد است شامل کتب فارسی و عربی و انگلیسی و روسی است در میان این کتب ، کتابهای بسیار نفیس و ارزنده ای وجود دارد که علاوه بر بنهای معنوی آنها ارزش مادی آنها نیز زیاد است .

در سال ۱۳۴۹ بانو دکتر صورتگر بمناسبت اینکه مرحوم دکتر صورتگر در جوار آرامگاه حافظ مدفون گردیده بود تعداد هفصد جلد کتاب آن مرحوم را به کتابخانه حافظیه اهدا^۲ کردند .

در نتیجه اکنون کتابخانه حافظیه با داشتن قریب هشت هزار جلد کتاب نفیس و با ارزش بصورت کتابخانه مهمی درآمده است که شاید در فارس کم نظیر باشد .

اداره کل فرهنگ و هنر فارس هم توجه خاصی نسبت به این کتابخانه مبذول داشته و با تعمیر عمارت مزبور و ساختن قفسه‌ها و تجهیز آن و همچنین خرید تعدادی کتاب بر رونق آن افزوده است و مرتباً^۳ هم با خرید کتب تازه در تکمیل آن میکوشد . هم اکنون کتابخانه حافظیه بعنوان یک کتابخانه عمومی تحت نظر نگارنده به روش

دیوئی و بشکل کتابخانه باز اداره میشود و کمک بزرگی بسـه
دانشجویان دانشگاه پهلوی و اهل مطالعه مینماید .

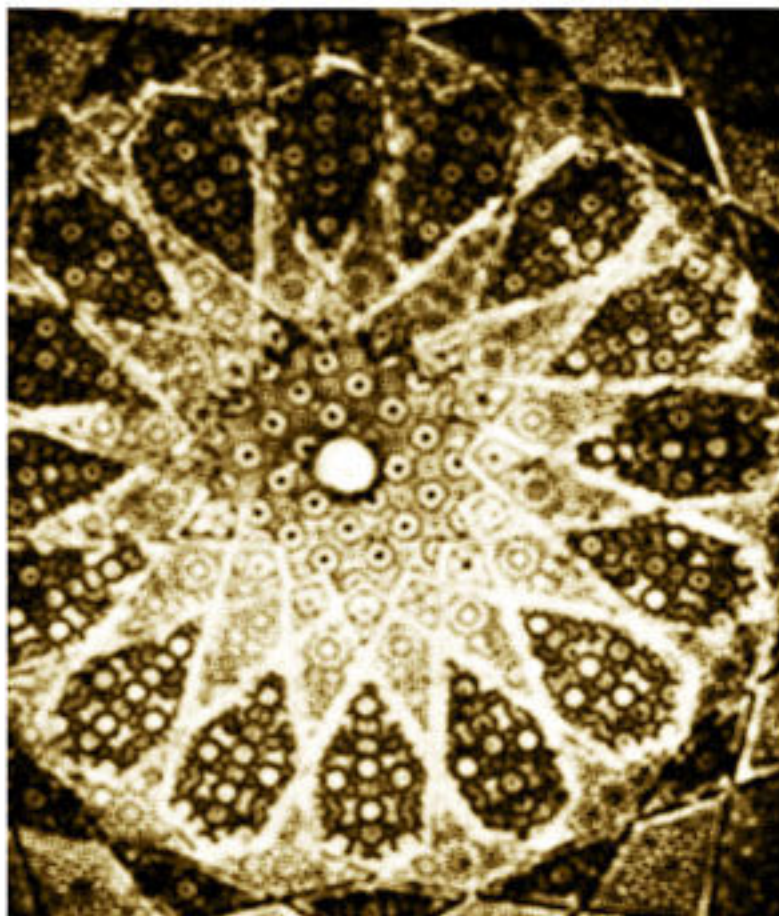
مرکز حافظ شناسی

بنابر تصمیم اداره کل فرهنگ و هنر فارس در کتابخانه حافظیه مرکزی بوجود آمده تا هر چه ممکن باشد اسناد و مقالات و کتب راجع بحافظ گردآوری و در آن نگهداری گردد تا هرکسی خواست در اطراف حافظ تحقیقاتی بنماید منابع کافی در دسترس او باشد بدین منظور اطاقی به "مرکز حافظ شناسی" اختصاص داده شده و در آن اسناد و مدارک زیر گردآوری شده است :

- ۱- چند دیوان خطی حافظ
- ۲- دیوانهای چاپی حافظ
- ۳- کتبی که درباره شرح حال و تفسیر و تحلیل اشعار حافظ تألیف شده است .
- ۴- ترجمه اشعار حافظ بزبانهای خارجی
- ۵- مجلات و نشریه های که مقالاتی راجع بحافظ در آنها چاپ شده است .
- ۶- رونوشتی از مقالات تحقیقی راجع بحافظ .
- ۷- عکسهائی از بعضی نسخ خطی دیوان حافظ
- ۸- صورت نسخ خطی و چاپی دیوان حافظ در کتابخانه های مهم دنیا .
- ۹- عکسهائی از ادوار تاریخی حافظیه .

۱۰- عکسی از حافظ و خطوط منسوب به حافظ .

پایان



کاشی کاری سقف آرامگاه حافظ

